

اداره‌ی آموزش پرورش منطقه ۶



مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان و دانش پژوهان جوان

بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر روی کرمانشاه (پیش از تشکیل دولت موقت و پس از آن)

دبیر راهنما: سرکار خانم سیده سمیه طباطبایی

پژوهشگران: شینا هدایتی، نیوشا ولی زاده

دبیرستان متوسطه‌ی دوره دوم فرزندگان ۶ تهران

سال تحصیلی ۹۸-۹۷



اداره‌ی آموزش پرورش منطقه ۶



مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان و دانش پژوهان جوان

بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر روی کرمانشاه (پیش از تشکیل دولت موقت و پس از آن)

دبیر راهنما: سرکار خانم سیده سمیه طباطبایی

پژوهشگران: شینا هدایتی، نیوشا ولی زاده

دبیرستان متوسطه‌ی دوره دوم فرزندگان ۶ تهران

سال تحصیلی ۹۸-۹۷

فهرست

چکیده..... ۷

فصل یک

- ۱-۱- بیان مسئله..... ۹
- ۱-۲- اهمیت پژوهش..... ۱۱
- ۱-۳- پرسشهای پژوهش..... ۱۱
- ۱-۴- اهداف..... ۱۱
- ۱-۵- فرضیات..... ۱۲
- ۱-۶- محدودیتهای پژوهش..... ۱۲

فصل دو

- ۲-۱- پیشینه پژوهش..... ۱۴

فصل سه

- ۳-۱- جنگ جهانی اول..... ۱۷
- ۳-۱-۱- دلایل شروع جنگ..... ۱۷
- ۳-۱-۲- جبهه غرب..... ۱۸
- ۳-۱-۳- جنگ در عثمانی..... ۲۰
- ۳-۱-۴- جنگ در جبهه شرق..... ۲۱
- ۳-۱-۵- دلیل ورود آمریکا به صحنه جنگ..... ۲۳
- ۳-۱-۶- مذاکرات صلح ورسای..... ۲۴
- ۳-۲- سیاستهای آلمان پیش از جنگ..... ۲۵

- ۲۵..... ۳-۲-۱-اتفاق امپراطوران سه گانه
- ۲۶..... ۳-۲-۲-مقدمات شکل گیری اتفاق مثلث
- ۲۶..... ۳-۲-۳- نزدیکی روس و انگلیس
- ۲۷..... ۳-۲-۴-اوضاع داخلی و تحولات آلمان پس از وحدت
- ۲۸..... ۳-۲-۵- برقراری روابط بین آلمان و عثمانی
- ۳۰..... ۳-۳-تشکیل احزاب و ایران پیش از جنگ جهانی
- ۳۰..... ۳-۳-۱-شرایط سیاسی حاکم بر ایران
- ۳۱..... ۳-۳-۲- حزب دموکرات
- ۳۱..... ۳-۳-۳-حزب اعتدالیون
- ۳۲..... ۳-۳-۴- گشایش مجلس سوم و نقش احزاب در آن
- ۳۴..... ۳-۳-۵- اوضاع ایران در آستانه جنگ
- ۳۵..... ۳-۳-۶- گرایش به آلمان
- ۳۹..... ۳-۳-۷-مسیر حرکت مهاجرین
- ۴۰..... ۳-۴-کرمانشاه پیش از جنگ
- ۴۰..... ۳-۴-۱- اوضاع کرمانشاه قبل از جنگ
- ۴۲..... ۳-۵- کرمانشاه پس از جنگ
- ۴۲..... ۳-۵-۱-اوضاع کرمانشاه بعد از جنگ جهانی اول

- ۳-۵-۲- فعالیت آلمانی‌ها در کرمانشاه..... ۴۴
- ۳-۵-۳- درگیری در کنگاور..... ۴۷
- ۳-۵-۴- مهاجرین در قصر شیرین..... ۴۹
- ۳-۵-۵- خروج روس‌ها از کرمانشاه..... ۵۶
- ۳-۵-۶- دولت موقت (مرحله دوم)..... ۵۸
- ۳-۵-۷- انگلیسی‌ها در کرمانشاه..... ۶۱

فصل چهارم

- ۴-۱- بخش اول و دوم..... ۶۴
- ۴-۲- بخش سوم..... ۶۵
- ۴-۳- بخش چهارم..... ۶۶
- ۴-۴- بخش پنجم..... ۶۷
- ۴-۵- پیامدهای اجتماعی..... ۷۰
- ۴-۶- پیامدهای سیاسی..... ۷۰

فصل پنجم

- ۵-۱- نتیجه‌گیری..... ۷۴
- ۵-۲- پیشنهادات..... ۷۵
- ۵-۳- منابع..... ۷۶

چکیده

پژوهش‌گران در این پژوهش تلاش کرده‌اند که با شرح وقایع جنگ جهانی به‌طور کامل در قدم اول و بعد تشریح اتفاقات و وقایع به‌ترتیب از شروع تشکیل دولت سوم، تصویری روشن از وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در آن دوران بسازند. بیشتر اعضای این مجلس دموکرات‌هایی بودند که با حمایت آلمان پیروز شده بودند و مسلماً با سیاست‌های آلمان موافق بودند و انزجار از متفقین عضو جدا نشدنی ایرانیان و به‌خصوص دموکرات‌ها بود. این افراد برای فرار از حملات روسیه از تهران رهسپار شهرهایی شدند که مقصد نهایی‌شان کرمانشاه شد و در آن‌جا دولتی موقت تشکیل دادند. این دولت در طول سال‌های روی کار ماندنش دست‌خوش تغییرات بسیاری شد. با توجه به این‌که مهاجرت دموکرات‌ها و دیگر اعضای مجلس سوم بدون حمایت آلمان میسر نبود، سعی شده در این پژوهش با توجه به موقعیت استراتژیک کرمانشاه و موقعیت اجتماعی آن، تأثیر این عوامل را بر تمایل به متحدین و دستیابی متحدین به اهدافشان بررسی شود.

کلیدواژه: جنگ جهانی اول، دولت سوم، دولت موقت، دموکرات‌ها، متفقین، متحدین، کرمانشاه

فصل یک

۱-۱- بیان مسئله

جنگ جهانی اول در ۲۸ جولای سال ۱۹۱۴ (معادل با مرداد سال ۱۲۹۳) با قتل ولیعهد اتریش-مجارستان توسط قاتلی نوزده ساله که از صرب‌های بوسنی بود، شروع شد. این جنگ با درگیری میان دو گروه عمده، آلمان، اتریش-مجارستان و عثمانی که دول محور نامیده می‌شدند و انگلیس، فرانسه و روسیه که دول متفق (البته در سال ۱۹۱۷ ایالات متحده نیز به متفقین پیوست) را تشکیل داده بودند، آغاز شد. در سال ۱۹۱۸ بین متفقین و دولت‌های مرکزی آتش‌بسی امضا شد که به جنگ جهانی پایان داد و در ۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۹ (معادل تیر سال ۱۲۹۸) با پیمان ورسای این پایان رسمی شد.

واکنش اولیه دولت مرکزی ایران به شروع جنگ اعلام بی‌طرفی بود. ولی باز از پیامدهای بین‌المللی این جنگ مصون نماند و به طور ناخواسته درگیر شد. در پی قرارداد ۱۹۰۷، شمال و جنوب ایران توسط نیروهای انگلیسی و روسی از سال ۱۲۸۹/۱۹۱۰ اشغال شده بود. حضور متفقین توجه عثمانی‌ها را به ایران جلب کرد و آن‌ها را برانگیخت تا در اوایل جنگ به غرب و شمال غربی ایران تجاوز کنند. در نتیجه این مناطق به یکی از میادین اصلی نبرد در جنگ جهانی اول تبدیل شده بود و بی‌طرفی ایران را اساساً ناممکن ساخت.

فشارهای خارجی از یک سو و بحران‌های سیاسی داخلی از دیگر سو سبب شده بود که کابینه‌ها از حل مشکلات کشور ناتوان باشند و یکی پس از دیگری سقوط کنند. حکومت مرکزی چنان دچار اختلاف و چند دستگی بود که دولت‌های مختلفی که سر کار می‌آمدند هیچ‌گاه بیش از چند ماه دوام نمی‌آوردند. روشن است که اگر دولت مرکزی ایران قوی و کاملاً جا افتاده بود، به خوبی می‌توانست سیاست بی‌طرفی را دنبال کند. اما هم احمد شاه قاجار به‌تازگی تاج‌گذاری کرده بود (ژوئیه ۱۹۱۴/تیر ۱۲۹۳) و هم کابینه مستوفی-الممالک (رئیس‌الوزرای ایران) به شدت ضعیف و ناتوان بود. در نتیجه برخی از ایرانیان بر آن شدند که اتحادی تشکیل دهند.

در نتیجه احساسات ضد روسی و ضد انگلیسی ایرانیان باعث شد برخی دموکرات‌های ایران آلمانی‌ها را متحدان درخوری تلقی کنند و آلمان تهدید مستقیمی علیه ایران به حساب نمی‌آمد. در کل افکار عمومی مردم به جهت نفرت و انزجار از مداخله‌ها و جنایت‌های روس و انگلیس به متحدین تمایل پیدا کرده بود. فعالیت آلمانی‌ها در ایران عنصر تازه‌ای را وارد صحنه سیاسی ایران کرد که قواعد کهنه بازی را به هم زد و این برای دموکرات‌ها و ملی‌گرایان خوشایند بود و در آذر ۱۲۹۳ که مجلس سوم تشکیل جلسه داد، به دلیل نفوذ آلمان سی نفر از ۱۳۶ نفر عضو مجلس عضو حزب دموکرات بودند.

بریتانیایی‌ها و روس‌ها نسبت به فعالیت‌های دموکرات‌ها به طرفداری از آلمان مشکوک شدند و تصمیم گرفتند به تعداد نیروهای اشغال‌گر خود بیفزایند. وضعیت چنان بحرانی شد که روس‌هایی که در قزوین ساکن بودند به سمت پایتخت حرکت کردند. سی نماینده دموکرات به همراه چند روزنامه‌نگار و عده‌ای از سیاست-مداران بانفوذ اعتدالی، راهپیمایی طولانی خود را آغاز کردند و از تهران به قم مراجعت کردند. احمد شاه نیز در ابتدا تصمیم گرفت به آن‌ها بپیوندد، ولی سفیران روس و انگلیس که این تصمیم را به منزله مخالفت با خود و گرایش حکومت به متحدین می‌دانستند، شاه را از اندیشه انتقال به قم منصرف کردند.

گروهی که از تهران خارج شده بودند در قم کمیته دفاع ملی با همکاری مأموران آلمانی تشکیل دادند و این حرکت باعث حمله دوباره روس‌ها به قم شد. مهاجران به ناچار از قم به کاشان و از آنجا به سمت کرمانشاه حرکت کردند و در آنجا «دولت موقت ایران» را تشکیل دادند. دولت موقت به عنوان تنها دولت قانونی ایران مورد شناسایی دولت‌های محور قرار گرفت. این دولت در اثر فشارهای بریتانیا و روسیه بارها تغییر مکان داد و آخرین بار وقتی که دوره دوم دولت موقت در کرمانشاه تشکیل شده بود، ارتش بریتانیا به آن حمله‌ور شد و آن را نابود کرد.

در این پژوهش سعی شده که تأثیرات تشکیل این دولت، با مقایسه کرمانشاه پیش از جنگ و پس از آن بررسی شود و به موضوعات فرعی‌تر مانند علت انتخاب کرمانشاه به عنوان مقصد مهاجرت و نقش آن در تمایل به متحدین بررسی شود.

۲-۱- اهمیت پژوهش

فایده پژوهش صورت گرفته در این است که منشأ بسیاری از تغییرات فرهنگی کرمانشاه مشخص می‌شود. همچنین این پژوهش آگاهی‌های بیش‌تری در ارتباط با تاریخ محلی کرمانشاه در زمان جنگ جهانی اول می‌دهد و جنبه آگاهی دادن به اقوام فعلی کرمانشاه دارد. با توجه به اینکه در باب تأثیرات تشکیل دولت موقت بر کرمانشاه تحقیق مستقلی صورت نگرفته اهمیت پژوهش آشکار می‌گردد.

۳-۱- پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین سوال پژوهش بررسی اوضاع کرمانشاه قبل و بعد از تشکیل دولت موقت است و در کنار آن می‌توان پرسش‌های فرعی از جمله انگیزه مهاجرت و دلیل انتخاب کرمانشاه به عنوان مقصد را مطرح کرد.

۴-۱- اهداف

اهداف اصلی:

- پیامدهای تشکیل دولت موقت بر کرمانشاه

اهداف فرعی:

- بررسی کلیت جنگ جهانی اول

- بررسی سیاست‌های آلمان در طول تاریخ و ارتباط آن با سیاست‌های آلمان در ایران و عثمانی

- بررسی اوضاع ایران پیش از جنگ جهانی و تشکیل احزاب

- بررسی انگیزه‌های مهاجرت و چگونگی انتخاب کرمانشاه برای تشکیل دولت موقت

- بررسی سرنوشت دولت موقت و تأثیرات جنگ جهانی بر روی کرمانشاه

۵-۱- فرضیات

فرضیه پژوهش‌گران این است که به دلیل اینکه در آن زمان کرمانشاه نزدیک‌ترین استان مرزی به عثمانی بود و راحت‌ترین راه برای ورود به ایران، آلمان‌ها با نفوذی که در مهاجرین داشتند برای اینکه بر علیه دشمنان خود عشایر را بشورانند سعی کردند تا مهاجرین را به متحدین خود نزدیک‌تر کنند و با کمک عثمانی دولت موقت را به گونه‌ای بسازند که بر علیه متفقین عمل کند. از آنجایی که مهاجرین بدون هیچ پشتوانه مالی و نظامی دست به چنین مهاجرت بزرگی زدند، مسلماً وابستگی زیادی به آلمانی‌ها و سرمایه‌های مالی آن‌ها داشتند و برای راضی نگه داشتنشان هر کاری می‌کردند و با انتخاب کرمانشاه به عنوان مقصد موافقت کردند.

۶-۱- محدودیت‌های پژوهش

در مسیر انجام هر کار تحقیقی بدون شک موانع و مشکلاتی وجود دارد و اگر این موانع وجود نداشت، کار تحقیق از کیفیت بالاتری برخوردار می‌شد. در جریان انجام این تحقیق نیز موانع و مشکلاتی زیادی پیش آمد. مطالعات تاریخی نیازمند در اختیار داشتن منابع وسیع است. موضوع این رساله نیز چون پژوهش محلی است با محدودیت منابع مواجه است. بسیاری از منابع در داخل کشور در دسترس نیستند. منابع قدیمی و اصلی بسیار کمیابند و این منابع تجدید چاپ نشدند و حتی اگر در داخل کشور در دسترس باشند امکان دستیابی به آن‌ها (مثل آمارهای مربوط به مهاجرت) برای ما وجود نداشت.

البته تا حدودی جبران این کمبود منابع با بهره‌گیری از برخی کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های معتبر میسر شد ولی اطلاعات کم در مورد اوضاع کرمانشاه پیش از جنگ، کیفیت و شاخصه‌های مورد نیاز برای مقایسه را بسیار کاهش داد.

فصل دو

سوابق پژوهش درباره این موضوع نسبتاً محدود است. در مورد تأثیرات جنگ جهانی اول در ایران به خصوص درباره کردها آثاری به رشته تحریر درآمده‌اند که به وقایع توجه داشتند و به بررسی پیامدها پرداختند و علل مهاجرت نیز بررسی نشده است. هم‌چنین امکان دستیابی به بسیاری از منابع و تحقیق‌ها برای پژوهش‌گران امکان پذیر نبود و در کل کمبود منابع یکی از محدودیت‌های بزرگ در سر راه پژوهش بود.

در خصوص شروع جنگ و جنگ جهانی اول در جبهه شرق، اعظم مقدم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی نقش و تأثیر آمریکا به روی جنگ جهانی اول» در چهار فصل به این موضوع پرداخته است. در فصل اول به موضوع علل شروع جنگ پرداخته شده و در فصل بعد به دلایل ورود آمریکا به جنگ پرداخته. در فصل سوم به تأثیرات آمریکا و در بعدی با عنوان «جهان پس از جنگ جهانی اول» به تأثیرات جنگ به طول کلی پرداخته است.

محمد علی کلهر در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود با موضوع «اوضاع سیاسی و اجتماعی قم در جنگ جهانی اول» در فصل سوم با موضوع «اوضاع سیاسی قم در جنگ جهانی اول» و در فصل بعد «اوضاع اجتماعی قم در جنگ جهانی اول» به وضعیت قم قبل و بعد از جنگ جهانی اول پرداخته که یکی از مکان‌های استقرار مهاجرین بوده است و مکان کمیته دفاع ملی بوده که نقش مهمی در دولت موقت و مهاجرت به کرمانشاه داشته است.

زهرا دالوند در پایان‌نامه ارشد خود با موضوع «پیامدهای سیاسی و اقتصادی جنگ جهانی اول به روی ایران» در فصل دوم با عنوان «ایران در جنگ جهانی اول» به مجلس سوم و تشکیل کمیته دفاع ملی و دولت موقت اشاره کرده است. در فصل بعد به پیامدهای سیاسی و در بعدی به پیامدهای اجتماعی پرداخته است و در فصل آخر به قحطی‌ها و تورم‌ها نیز اشاره شده است. دالوند در این پژوهش به تأثیرات معیشتی جنگ و قیام‌ها توجه زیادی داشته و به غارت‌ها و قحطی‌های آن زمان اشاراتی کرده که تأثیرات اقتصادی طولانی داشتند و تا سال‌ها شرایط سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

آقای عزت الله شریفی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «کرمانشاه در جنگ بین‌الملل اول» به این موضوع پرداخته است. این پایان‌نامه دارای دو بخش است که بخش اول آن به ایران و کرمانشاه در جنگ جهانی اول و در بخش دوم به کرمانشاه از ورود قوای عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول می‌پردازد. در این پایان‌نامه اشاره‌ای به آثار و نتایج جنگ نشده و تنها به روند تشکیل دولت موقت اشاره شده است.

هم‌چنین پایان‌نامه آقای حیدر سعیدی با عنوان «تاثیر جنگ جهانی اول بر حرکت های قومی کردستان» در فصل اول در بخش بررسی حرکت‌های قومی در کردستان قبل از شورش اسماعیل آغا سیمکو به علل اهمیت کردستان و تمرکز قدرت‌های بزرگ به آن پرداخته و هم‌چنین وضعیت کردستان را در طول جنگ بررسی کرده است. در بخش «پیامدهای جنگ جهانی اول بر روی کردستان» کمی به بررسی تأثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. این پژوهش به روش مقایسه صورت گرفته و بیشتر توجه پژوهش‌گر به روی ماهیت شورش سمکو و مقایسه آن با سایر شورش‌های کردستان و علل ناکامی‌ها و ضعف‌های آن متمرکز شده.

خانم هدی سلیمی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «کرمانشاه در جنگ جهانی اول و تشکیل دولت ملی» در دو بخش که در بخش اول به علل و چگونگی بروز جنگ پرداخته و در بخش دوم به ظهور و سقوط دولت ملی پرداخته و تمامی مراحل تشکیل دولت موقت از تهران تا کرمانشاه را بررسی کرده. در این پژوهش نیز تمرکز پژوهش‌گر بیش‌تر به روی دلایل گرایش ایرانیان به آلمان بوده.

هم‌چنین مجتبی نظری در پایان‌نامه خود با عنوان «تاریخ سیاسی و اجتماعی کرمانشاه از مشروعیت تا حکومت رضاخان» در فصل پنجم که درباره کرمانشاه در آستانه جنگ جهانی اول است به شرح وقایع جنگ در کرمانشاه پرداخته. در این پژوهش تأثیرات انقلاب مشروطه و احزاب مختلف را بر روی کرمانشاه و معیشت مردم آن بررسی کرده.

علیرضا ملائی توانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول» در بخش سوم به ظهور و سقوط دولت ملی پرداخته که مانند پایان‌نامه‌های قبلی به طور کامل نحوه مهاجرت توضیح داده شده و در فصل بعد به افول دولت ملی و مهاجرت اعضای آن به استانبول نیز پرداخته که در آن اطلاعاتی درمورد شرایط کرمانشاه بعد از دولت ملی داده شده است و یکی از دیگر موارد مهم این پژوهش دسته‌بندی اهداف و توضیحات کامل درباره احزاب مختلف و تشکیل مجلس اول بود.

فصل سه

۱-۳- جنگ جهانی اول

۱-۱-۳- دلایل شروع جنگ^۱

زمان جنگ جهانی آنقدر به ما نزدیک است که بتوانیم به بسیاری از پرسش‌های چی، کجا و کی پاسخ دهیم. انبوهی از اسناد رسمی، پژوهش پژوهش‌گران و عکاسی که در قرن نوزدهم اختراع شد، همه و همه به ما در پاسخ این سوالات کمک می‌کنند. ولی یکی از پرسش‌های آزاردهنده و پاسخ نداده از این دوران چرایی آغاز آن است.

سبب بی‌واسطه و نقطه شروع جنگ، قتل دوک بزرگ، فرانتس فردیناند، وارث تاج و تخت امپراتوری اتریش-مجارستان بود. او در سارایوو، پایتخت قدیمی بوسنی و هرزگووین به قتل رسید. قاتل او جوانی نوزده ساله، از صرب‌های بوسنی و عضو جنبش زیرزمینی بود که برای استقلال از امپراتوری اتریش-مجارستان مبارزه می‌کرد.

این قتل می‌توانست در حد حادثه‌ای کنترل‌شده باقی بماند. ولی نماند و کشورها یکی پس از دیگری درگیر شدند. در حالی که قدرت‌های بزرگ اروپا-بریتانیا و فرانسه و روسیه-و از سوی دیگر-آلمان و اتریش-مجارستان- در ظاهر خواهان صلح بودند؛ ولی در حال آماده شدن برای جنگ بودند و همین گسترش جهانی آن، بخشی از دلیل علاقه پیگیر به دانستن چرایی آغاز این جنگ بود.

دو توضیح رایج دیگر درباره چرایی آغاز این جنگ وجود دارد:

(۱) این جنگ کم و بیش به صورت تصادفی رخ داد.

(۲) رقابت تسلیحاتی، که پیش از جنگ بیشتر قدرت‌های بزرگ اروپایی را درگیر کرده بود، به خود جنگ انجامید.

این دو نظر به هم مرتبطند. رقابت تسلیحاتی، که همه قدرت‌های بزرگ اروپایی در سال‌های پیش از ۱۹۱۴ در آن شرکت داشتند، فضایی انفجاری پدید آورده بود و قتل ولیعهد اتریش-مجارستان، آتش جنگ را شعله‌ور کرد.

البته دانش پژوهان آلمانی در اجتناب ناپذیری جنگ تردید کرده‌اند. آن‌ها آلمان را مقصر اصلی آغاز

جنگ می‌دانند و معتقدند که کشورها از سر ترس، نمی‌جنگند. بلکه به این دلیل می‌جنگند که معتقدند با جنگ نفع بیشتری به دست می‌آورند تا با پرهیز از آن.

۱- گرین، رابرت، جنگ جهانی اول، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۸

البته پیش از جنگ نیز کسانی که ویلهلم، قیصر آلمان، را می‌شناختند معتقد بودند که جاه‌طلبی او آلمان و کشورهای دیگر را درگیر جنگ می‌کند. دایمی ویلهلم که ولیعهد بریتانیا بود، پس از اینکه به پادشاهی رسید اظهار داشت که: با اطمینان می‌توان گفت که آلمان سرسخت‌ترین دشمن ماست، چرا که زحمت پنهان کردن آن را هم به خود نمی‌دهد (Glynn, Closing Pandora's Box, p. 4.)

پرسش برای چرایی آغاز جنگ به این دلیل اهمیت دارد که پاسخ‌ها دربارهٔ سرشت جنگ و آغازگران آن سخن بسیار دارند و شاید برای جلوگیری از جنگ در آینده سرنخ‌هایی به دست دهند. ولی نکتهٔ مهم این است که بسیاری از سربازان در ۱۹۱۴ در مورد چرایی جنگ آگاهی چندانی نداشتند.

۲-۱-۳-جبههٔ غرب^۲

گرچه در آغاز جنگ، کشورهای صربستان و بلژیک عرصه نبرد بودند. ولی این جنگ اساساً کشمکش بین آلمان، فرانسه، بریتانیای کبیر، روسیه و اتریش-مجارستان بود. اروپا میدان نبرد دو جبههٔ بزرگ (غرب و شرق) را تشکیل می‌داد.

البته میدان نبرد منطقهٔ وسیعی را در بر می‌گرفت و مدام گسترش می‌یافت. ولی جبههٔ اصلی، جبههٔ غرب (آلمان) بود.

و حال سؤال مهم این است که دلیل این اشتیهای فزایندهٔ آلمان چه بود.

گرچه آلمان‌ها (ژرمن‌ها) مردمی کهن هستند. ولی این جایگاه بزرگ را به‌تازگی به دست آورده بودند. آلمان که امروزه پرجمعیت‌ترین کشور اروپا است، تنها در قرن نوزدهم به یک قدرت سیاسی بزرگ تبدیل شد. آن هم به این دلیل بود که در فضای رقابتی قرن نوزدهم آلمان‌ها می‌خواستند که کشورشان را در مقام قدرتی جهانی و هم‌تراز با بریتانیا و فرانسه تثبیت کنند و با نیروی دریایی بریتانیا به رقابت بپردازند. در واقع در این راه هم با دیپلماسی و هم جنگ اشتیهای فزاینده خودشان را نشان دادند.

فرانسه مرزی طولانی با آلمان داشت و در سال‌های طولانی هم هدف تهاجم دیپلماتیک و هم تهاجم نظامی آلمان قرار گرفت. در واقع قبل از جنگ جهانی اول، جنگ سال ۱۸۷۱ بین آلمان و فرانسه این بی‌زاری بین آن دو را تداوم بخشید. در پایان این جنگ آلمان خود را امپراطوری خواند و استان فرانسوی آلزاس و بخش‌های از لورن را به تصرف درآورد و آن‌ها را تحت عنوان ایالات آلزاس و لورن امپراطوری آلمان تجدید سازمان داد.

۲- هرمان تنبروک، روبرت، تاریخ آلمان، ترجمهٔ محمد ظروفی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱

تصرف این دو شهر زخمی بزرگ به روی غرور فرانسوی‌ها گذاشته بود و جبران آن هدف اصلی فرانسه در جنگ جهانی اول بود.

هم‌چنین در آن دوران بریتانیا و فرانسه مستعمرات زیادی داشتند و آلمان‌ها نیز امیدوار بودند که سرزمین‌هایی را خارج از اروپا به چنگ بیاورند.

آلمان‌ها بخشی از چین در شبه جزیره شاندونگ را به تملک خود درآوردند. آن‌ها در آفریقا نیز مستعمراتی به دست آوردند. این‌گونه قدرت آلمان پیوسته در حال رشد بود و بر هزینه‌های تسلیحاتی خود می‌افزود تا از سربازانش برای کشورگشایی حمایت کند.

کشورهای اروپایی دیگر پس از رشد آلمان نگران شدند. آلمان‌ها با شتاب به تدارک ناوگان بزرگ دریایی پرداخت. ناوگانی که با نیروی دریایی بریتانیا (که بزرگ‌ترین و قدرتمندترین نیروی دریایی را داشت) مقابله کند. هم‌چنین ارتشی نیز تدارک دیدند که با ارتش روسیه و فرانسه مقابله کند. کم‌کم کشورهای دیگر نیز وارد این رقابت تسلیحاتی شدند تا عقب نمانند.

آلمان برای آرام کردن اوضاع، سیاست دیپلماتیک دقیقی را پیش گرفت. صدراعظم آلمان، اتوفون بیسمارک در سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۸۹۰ کوشید با روسیه و بریتانیا روابط خوبی داشته باشد و نگرانی‌ها را فرونشاند. او هم‌چنین با ویلهلم اول، امپراتور آلمان، همکاری نزدیکی داشت.

وقتی ویلهلم دوم در ۱۸۸۸ به قدرت رسید، بیسمارک دریافت که قیصر جدید این شیوه مسالمت‌آمیز را نمی‌پسندد. در سال ۱۸۹۰ که بیسمارک (معروف به صدر اعظم آهنین) کنار گذاشته شد، قیصر آزاد بود که نسبت به روس‌ها و فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها خصمانه‌تر برخورد کند. او با در دست گرفتن دیپلماسی امپراطوری خود، به گونه‌ای توان فرمانروایی مستقیم داشت. این دوره آلمان به آلمان ویلهلمی یا آلمان عصر ویلهلم معروف است.

در این زمان کشورهای دیگر باید به خواسته‌های ویلهلم تن می‌دادند و گرنه با خشم او روبرو می‌شدند. آلمان که دیگر دشمنان بسیاری پیدا کرده بود مصرانه در پی شروع جنگ بود.

بحران بالکان که پیامد قتل ولیعهد اتریش-مجارستان بود صرفاً فرصت را برای جنگ فراهم آورد. امپراطوری اتریش-مجارستان شریک ضعیف آلمان بود ولی ویلهلم در پی آن به صربستان اولتیماتومی داد. این اولتیماتوم صربستان را مقرر می‌دانست که مسئولیت این قتل را برعهده گیرد و برای ریشه‌کن ساختن عناصر دشمن اقدام‌هایی انجام دهد. و حتی وقتی صرب‌ها کوشیدند به خواسته‌های اتریش تن دهند، آلمان با پشتیبانی کامل به سمت صربستان حرکت کرد.

ستاد کل ارتش آلمان، به سمت مرزهای شمالی فرانسه حرکت کرد و انتظار جنگی کوتاه را داشت.

بریتانیایی‌ها هم که همان موقع اعلان جنگ داده بودند انتظار جنگ کوتاهی داشتند. آن‌ها بلافاصله بعد از اعلان جنگ، نیروی واکنش را اعزام کردند تا در شمال فرانسه موضع گیرند.

قیصر به بلژیک اولتیماتومی داد مبتنی بر اینکه زودتر تسلیم شود وگرنه با خاک یکسان می‌شود. ولی بلژیکی‌ها نپذیرفتند و یک میلیون آلمانی در چهارم اوت به بلژیک حمله‌ور شدند. آلمان‌ها با توپ‌های غول‌آسای خود، در مسیر مرگ و ویرانی‌های بسیاری به جا گذاشتند و نظرها نسبت به آلمان و قیصر خصمانه‌تر شد.

حمله به بلژیک برخلاف قوانین بین‌المللی بود. اما آلمان‌ها معتقد بودند که باید این قوانین کنار گذاشته شوند زیرا که از قصد این حمله را آغاز نکرده بودند. بلکه برای جلوگیری از حمله فرانسه دست به این کار زدند. آن‌ها اعتقاد داشتند که در وضعیتی اضطراری هستند و اضطرار قانون نمی‌شناسد و دست به قتل و کشتارهای وحشتناکی در بلژیک و لوکزامبورگ زدند و پس از آن به سمت فرانسه حرکت کردند.

در پی جنگ‌های طولانی میان آلمان و فرانسه و بریتانیا، در بعضی نبردها آلمان‌ها و در بعضی دیگر، فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها پیروز می‌شدند. آلمانی‌ها در دوره‌ای از این جنگ حتی از گازهای سمی نیز استفاده می‌کردند که استفاده از آن‌ها ممنوع بود. ولی با این حال، تا سال‌ها هیچ‌کدام از طرفین پیروز نشدند و جنگ در سنگرها به جنگی ایستا و به دور از جنبش تبدیل شده بود. جبهه غرب تا پایان جنگ کانون طوفان باقی ماند. اما چه دولت‌های مرکزی و چه متفقین پیوسته در پی مناطق تازه و استراتژی‌های تازه بودند تا برتری به دست بیاورند.

۳-۱-۳- جنگ در عثمانی^۳

با افزایش ناتوانی‌ها در اروپا و بن‌بست جنگ در سنگرها اختلاف نظر در یک مورد بین متفقین افزایش یافت. آن‌ها به دو گروه غربی‌ها و شرقی‌ها تبدیل شده بودند. غربی‌ها معتقد بودند که به هیچ‌وجه نباید سپاه و تجهیزات را از بلژیک و فرانسه به جایی دیگر منتقل کرد و این کار فقط باعث طولانی‌تر شدن جنگ خواهد شد. شرقی‌ها نیز در مخالفت با غربی‌ها معتقد بودند که باید نبردها را به جاهای دیگر نیز منتقل کرد و این کار فشار بر روی سربازان را کم‌تر خواهد کرد. منظور این گروه روسیه که در نبرد با آلمان و اتریش-مجارستان بود، نبود. بلکه جبهه‌های جدید دور از میدان‌های اصلی نبرد در اروپا بود.

یکی از هدف‌های متفقین، عثمانی بود. عثمانی در اواخر قرن سیزدهم تأسیس شده بود و از پایتختش استانبول از راه خاورمیانه و شمال آفریقا به جنوب اروپا و از ساحل شرقی آفریقا تا شاخ آفریقا گسترش یافته بود. البته در سال ۱۹۱۴ امپراطوری عثمانی ناستوار بود و متفقین به فکر حمله به آنجا بودند.

۳- سلیمی، هدی، کرمانشاه در جنگ جهانی اول و تشکیل دولت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶

نخستین مرحله جنگ علیه ترک‌ها نبرد گالیپولی بود که وینستون چرچیل بسیار خواهان آن بود. او به عنوان فرمانده کل نیروی دریایی بریتانیا خود نقشه حمله به آن‌جا را کشید. در این میان روس‌ها هم که در حال جنگ با ترک‌ها بودند از بریتانیایی‌ها خواسته بودند که فشار جنگ را روی آن‌ها نیز کم کنند. چرچیل نیز مسئولیت این نبرد را پذیرفت ولی برخلاف انتظار بریتانیایی‌ها، عثمانی‌ها در نبرد دریایی از بمب‌های دریایی استفاده کردند که منجر به شکست چرچیل شد.

بعد از این جنگ نیز متفقین با دو جنگ دیگر، سعی در شکست عثمانی داشتند. اولی در بین النهرین، که در آن هند -بزرگترین مستعمره بریتانیا- مسئول حمله بود که در آن شهر کوت‌العماره را تصرف کردند. این پیروزی باعث شد که بریتانیایی‌ها برای حمله به بغداد نیز وسوسه شوند. ولی ترک‌ها این بار با فرماندهی آلمانی حمله را در دست گرفتند و بریتانیایی‌ها را عقب راندند و حتی کوت‌العماره را نیز پس گرفتند و بریتانیایی‌ها را محاصره کردند. این یک شکست ناامید کننده دیگر برای بریتانیا بود.

پس از دوبار شکست متفقین، ترک‌ها احساس غرور بسیاری داشتند و اعتماد به نفس بسیاری به دست آوردند. این شد که به سمت کانال سوئز که یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های ارتباطی بود و برای بریتانیا نقشی حیاتی داشت، حرکت کردند. ولی در آن‌جا با نیروی آماده و نیرومند بریتانیا مواجه شدند و شکست خوردند. بخشی از استراتژی آلمان و ترک‌ها تحریک مسلمانان مصر و هندوستان و شوراندن آن‌ها در مقابل متفقین بود. متفقین نیز برای جلوگیری از این شورش سعی کردند که شهرهای مقدس مسلمانان را بگیرند و مانع رویداد جنگی مذهبی شوند. در آن زمان شهرهای مقدس عربی نیز در دست عثمانی‌ها بود. آن‌ها در آن به این نتیجه رسیده بودند که با استقلال یافتن از عثمانی بسیار وضعیت بهتری خواهند داشت و در مسیر این انتخاب متفقین نیز بی‌تأثیر نبودند. پس شورش علیه ترک‌ها شکل گرفت. در طی این شورش‌ها اعراب توانستند که شهر عقبه را تصرف کنند. آن‌ها همین‌طور پیشروی می‌کردند و بیت‌المقدس را نیز تصرف کردند. و این‌گونه سپاه بریتانیا انتقام گالیپولی و کوت‌العماره را از ترک‌ها گرفت.

۴-۱-۳- جنگ در جبهه شرق

آلمان‌ها از اول جنگ توانایی روسیه در جنگ را دست کم می‌گرفتند و در ابتدای جنگ همراه با دستور حمله به فرانسه، به سمت روسیه نیز حرکت کرده بودند. آلمان‌ها در نبرد با روسیه پیروزی شگفت‌انگیزی کسب کردند که باعث فروپاشی سیاسی وحشتناکی در روسیه شد.

۴- گرین، رابرت، جنگ جهانی اول، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۸

منطقه جنگ با روسیه جبهه شرق بود. این جبهه تقریباً دوبرابر مساحت جبهه غرب بود. از دریای بالتیک تا دریای سیاه. به دلیل وسعت زیاد، جنگ در این جبهه تحرک سریعی داشت.

وقتی آلمان‌ها در ۱۹۱۴ به فرانسه حمله کردند، روس‌ها نیز که متحد فرانسه بودند در شرق به حمله با آلمان‌ها برآمدند. حمله آن‌ها در دو سمت صورت گرفت که آلمان‌ها به راحتی در سمت اول پیروز شدند. ولی در سمتی دیگر، روس‌ها در بخش دوم حمله خود امپراطوری اتریش-مجارستان را مورد هدف قرار داده بودند که مرزی طولانی با مناطق تحت کنترل روس‌ها داشت. آن‌ها به منطقه‌ای که در آن زمان در اختیار اتریش-مجارها بود حمله بردند و با پیش‌دستی‌های اتریش-مجارستان و پیروزی‌های متعدد روسیه جبهه غرب تا پایان جنگ در این منطقه متمرکز ماند.

در ۱۹۱۵ نیروهای دولت مرکزی حمله‌ای را علیه سربازان روس ترتیب دادند که باعث نابودی بسیاری از روس‌ها شد. روس‌ها در ابتدای جنگ به دلیل مهمات زیاد و تدارکات به خوبی می‌جنگیدند ولی دیگر تا پایان جنگ تنها در خون خود می‌غلتیدند. البته آن‌ها از نظر نیروی انسانی ضعیف نداشتند و جزو یکی از پرجمعیت‌ترین کشورها بودند که این موضوع تا حدی باعث پیروزی آن‌ها بود. در سال ۱۹۱۶ فرانسوی‌ها که در جبهه غرب در حال شکست خوردن بودند، از روس‌ها درخواست کردند که سربازان آلمانی را به سمت شرق بکشند. و روس‌ها نیز حمله‌ای ترتیب دادند که آلمان‌ها آن را دفع کردند ولی بعد ارتش روس با کمک ایتالیا به سمت اتریش-مجارستان حمله برد.

آن زمان اتریش-مجارستان امپراطوری رو به زوالی بود و آلمان‌ها نیز این را می‌دانستند. روس‌ها نیز که در بسیاری از عملیات‌هایشان شکست خورده بودند با خشمی فروخورده تمام توان خود را برای این نبرد گذاشتند. آن‌ها با سرعت حیرت‌انگیزی در حال تصرف مناطق بودند که تا جایی مجبور شدند برای تدارکات توقف کنند و همین باعث نابودی آن‌ها شد.

یکی از پیامدهای بسیار مهم این جنگ روس‌ها و اتریش-مجارها این بود که ضعف نظامی و سیاسی اتریش-مجارها آشکار شد. پس از آن تنها دلیل پابرجا ماندن این امپراطوری آلمان بود که فرماندهی سپاهیان آن‌ها را بر عهده گرفت.

پس از جنگ ۱۹۱۶ نیز روسیه دچار انقلابی شد که تا حدی نتیجه نبرد شدید جبهه غرب بود. این انقلاب سرنوشت روسیه را بسیار تغییر داد و روسیه تا پایان جنگ درگیر انقلاب بود.

۵-۱-۳- دلیل ورود آمریکا به صحنه جنگ^۵

در اثر نبردهای دریایی که بین بریتانیا و آلمان صورت گرفت، کشتی‌های آمریکایی بسیاری توسط زیردریایی فوق پیشرفته آلمانی‌ها (یو-بوت‌ها) نابود شدند. در این زمان بسیاری از سیاست‌مداران ایالات متحده بر این باور بودند که باید بر علیه آلمان‌ها اعلان جنگ کنند. ولی وودرو ویلسون-رئیس جمهور وقت- با این اتفاق موافق نبود. ایالات متحده در کل عقیده داشت که حل و فصل جنگ و دعوی کشورهای اروپایی را باید به خودشان واگذار کرد. سیاست ویلسون کناره‌گیری از جنگ و در صورت نیاز میانجی‌گری صلح بود.

در آن دوران بسیاری از آمریکایی‌ها معتقد بودند که کشورشان باید به متفقین کمک کند و برای این خواسته خود دلایل بسیاری داشتند. مانند اینکه اروپا سرچشمه سنت‌های سیاسی دموکراتیک آمریکا بوده، فرانسوی‌ها در جریان انقلاب آمریکا کمک‌های فراوانی کردند و بسیاری از آمریکایی‌ها نیز اصلیت انگلیسی داشتند و مشتاق کمک به بریتانیا بودند. حتی بسیاری از آن‌ها نیز پیش از وارد شدن آمریکا به جنگ داوطلب شرکت در جنگ بودند.

در آخر نیز با اقدامات آلمان برای نابودی ایالات متحده با کمک مکزیکی‌ها و نابودی یکی دیگر از کشتی‌های آمریکایی، ویلسون حاضر به شرکت در جنگ شد.

نیروی دریایی ایالات متحده پس از بریتانیا در رتبه دوم قرار داشت ولی نیروی زمینی بسیار ضعیفی داشتند که با زیاد شدن تعداد آن‌ها و پیوستنشان به دیگر متفقین این ضعف به نوعی پوشیده شد.

از سوی دیگر آلمان‌ها معتقد بودند که سال ۱۹۱۸ سال موفقیت برای آن‌ها خواهد بود ولی با ورود آمریکا به صحنه جنگ این اتفاق نیفتاد و نتیجه آن چیزی به جز خستگی ارتش آلمان نبود.

در این مقطع عوامل سیاسی اهمیت پیدا کردند. امپراطوری عثمانی تسلیم شد. امپراطوری اتریش-مجارستان فروپاشید و در نتیجه اتریشی‌ها تسلیم و مجارها مستقل شدند. آلمان نیز شرایط خوبی نداشت. مردم گرسنه بودند و خسته از جنگ. آن‌ها به قیصر اعتراض می‌کردند و سربازان دیگر توان جنگ نداشتند. قیصر نیز در پی این حوادث تا آخر عمر خویش به هلند گریخت.

فردای فرار قیصر، هیئتی از نمایندگان برای کنفرانس صلح به فرانسه رفتند. این نقطه پایان جنگ بود. به نظر نمی‌رسید در پی آن اتفاقات، هیچ‌گونه دلسوزی برای آلمان در راه باشد.

۵- مقدم، اعظم، بررسی نقش و تأثیر حضور آمریکا در جنگ جهانی اول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ عمومی جهان دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۴

۶-۱-۳- مذاکرات صلح ورسای^۶

مذاکرات صلح ورسای، همانند نبرد در میدان جنگ بخشی از تاریخ جنگ است. این مذاکرات برای حل و فصل مشکلاتی بود که جنگ پیش روی همه قرار داده بود.

این کنفرانس شش ماه، از ژانویه تا ژوئن ۱۹۱۹ به درازا کشید. نمایندگانی از جانب کشورهای جهان و کشورهایی که امیدوار بودند کشوری از آن خود داشته باشند در این کنفرانس حضور داشتند و متفقین پیروز در این میان روز به روز به حکومتی جهانی نزدیک می شدند. آن‌ها نقشه‌های جدیدی برای خاورمیانه، آسیا، آفریقا و اروپا ترسیم می کردند. آلمان‌ها که پس از قبول آتش بس فکر می کردند تمام مذاکرات در شرایط صلح در حال برگزاری خواهد بود ولی با گروهی مواجه شدند که بیشتر تصمیماتشان به نفع خود بود و به هیچ وجه با آلمان مشورت نکردند.

فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده سه طرف عمده مذاکرات صلح پاریس بودند و گاهی نیز ایتالیا در کنار آن‌ها قرار می گرفت تا چهار قدرت عمده مذاکرات را تشکیل دهند. ولی در این شرایط بد، آلمان‌ها فقط به اصول چهارده گانه وودرو ویلسون امیدوار بودند. وودرو پس از پرهیز از جنگ در ۱۹۱۷، در سخنرانی اعلام کرده بود که باید جهان را برای دموکراسی ایمن کرد.

این اصول بیشتر از هرچیز بر این اشاره داشت که هر کشوری باید خود آینده خود را تعیین کند. طبق این اصول کشور قدیم لهستان، که زیر سلطه اتریش-مجارستان بوده باید دوباره به کشوری مستقل تبدیل می شد. تمام نیروهایی که در آغاز جنگ به بلژیک حمله برده بودند (آلمان در رأس آن‌ها) باید از این کشور خارج می شدند.

در این میان متفقین هم وعده استقلال مستعمرات را می دادند و هم نفوذشان را بر مستعمرات افزایش می دادند. ویلسون با این خط مشی مخالف بود و بیش از همه به اصل آخر اصول چهارده گانه خود بها می داد. این اصل خواستار تشکیل مجمعی از ملل برای برای تضمین حقوق ملل کوچک تر در آینده و جلوگیری از جنگ بود. این مجمع جامعه ملل نام گرفت.

رهبران دیگر کشورها که از اهمیت این اصل برای ویلسون آگاهی داشتند، این شرط را پذیرفتند و در عوض ویلسون در دیگر اصول سازش کرد.

۶- گرین، رابرت، جنگ جهانی اول، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۸

در مورد آینده آلمان قدرت‌های بزرگ دوباره جر و بحث را از سر گرفتند. در این میان فرانسوی‌ها که بسیار از جانب آلمان ضربه خورده بودند، مخالف شدیدی بودند. آن‌ها می‌خواستند رایلند که بخشی از آلمان در مرزهای فرانسه بود را اشغال کنند و آلمان خسارت‌های جنگ را بپردازد. باید قدرت نظامی آن‌ها از بین می‌رفت و حق داشتن زیردریایی و هواپیمای جنگی از آن‌ها سلب می‌شد. آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها نیز به ملاحظه فرانسه از او حمایت کردند. تأمین مبلغ غرامت و خسارت نیز به توافق پس از صلح واگذار شد. این یعنی که آلمان‌ها باید سندی را امضا می‌کردند که در آن قول می‌دادند مبلغی نامعینی را طی زمانی نامعین به عنوان غرامت خواهند پرداخت.

کنفرانس صلح پاریس در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ با امضای این پیمان در تالار آینه‌ها در کاخ ورسای به پایان رسید.

۲-۳- سیاست‌های آلمان پیش از جنگ^۷

۱-۲-۳- توافق امپراتوران سه‌گانه

وحدت آلمان در فاصله سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۷۱ صورت گرفت و نتیجه جنگ‌هایی بود که ویلهلم اول پادشاه پروس به تحریک بیسمارک با اتریش و فرانسه به راه انداخت. ویلهلم اول، پس از رسیدن به پادشاهی، بیسمارک را به نخست وزیری برگزید. بیسمارک با هوشمندی‌های فراوان بر اتریش و آلاس و لورن و بخش‌های دیگری از فرانسه مسلط شد.

دولت آلمان پس از آنکه بر امپراتوری‌های اتریش و فرانسه پیروز شد قدرتمندترین دولت اروپا گردید و قوای نظامی آن بر سایر کشورها برتری یافت. ولی از انتقام فرانسه بیم داشت و می‌ترسید دول بزرگ اروپا برضد او متحد شوند. به همین علت پس از مصالحه فرانکفورت، با اتریش طرح دوستی ریخت و مدت‌ها بعد نیز روسیه به آن‌ها پیوست. که این سه دولت به امپراتوران سه‌گانه معروف شدند.

ولی سال‌ها بعد، هنگامی که جنگ عثمانی و روسیه به پایان رسید، کنگره‌ای در برلین بین کشورهای اروپایی تشکیل شده که در اثر آن، روسیه از آلمانی‌ها بسیار رنجید و از پیمان خارج شد. سال‌های بعد نیز در

۷- هرمان تنبروک، روبرت، تاریخ آلمان، ترجمه محمد ظروفی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱

رقابت‌های بین روسیه و اتریش، به دلیل ژرمن بودن اتریش، آلمانی‌ها از آن‌ها حمایت کردند و اتحاد سه‌گانه به اتحاد دوگانه تبدیل شد و به‌موجب این معاهده آلمانی‌ها و اتریشی‌ها پیمان بستند که در صورت لزوم به یکدیگر یاری برسانند. سه سال بعد، ایتالیا نیز به این دو کشور پیوست ولی اتحاد واقعی میان دو کشور ژرمن بود و ایتالیا زیاد به حساب نمی‌آمد.

۲-۲-۳- مقدمات شکل‌گیری اتفاق مثلث

بعد از کنگره برلین، که روس‌ها از آلمانی‌ها رنجیدند، دولت فرانسه، که منتظر فرصت بود و مایل بود روسیه را به سوی خود جلب کند، از فرصت استفاده نمود. ولی تا زمانی که بیسمارک، بر سر کار بود این امر ممکن نشد. در سال ۱۸۹۰، بعد از برکناری بیسمارک و سیاست غیرعاقلانه ویلهلم دوم، موجب نزدیکی فرانسه و روسیه گردید.

دولت فرانسه به تزار روس وعده کمک مالی داد و تزار هم که برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود به سرمایه خارجی نیاز داشت با این امر موافقت نمود و سرانجام در اوت ۱۸۹۱ اتحاد بین دو کشور برقرار گردید. البته بعد از شکست روسیه از ژاپن در ۱۹۰۵ اساس اتحاد فرانسه و روسیه متزلزل شد؛ ولی به هر حال، فرانسه در مقابل اتحاد مثلث به دوستی احتیاج داشت. هم‌چنین، علاوه بر نیاز سیاسی، ارتباطات مالی نیز بین دو کشور برقرار شده بود و فرانسه ۱۳ میلیارد فرانک به روسیه وام داده بود. در مه ۱۹۰۳ ادوارد هفتم از پاریس دیدن کرد و در این دیدار از نظر تحسین برانگیز مردم انگلیس نسبت به فرانسه و از افتخارات فرانسه در طول سالیان و از دوستی مردم انگلیس و فرانسه سخن گفت. در ماه اوت همان سال رئیس‌جمهور فرانسه به اتفاق وزیر امور خارجه آن کشور از لندن دیدار کرد و در هفتم آوریل ۱۹۰۴ عهدنامه معروف بین فرانسه و انگلیس به امضا رسید.

۳-۲-۳- نزدیکی روس و انگلیس

دولت فرانسه با روسیه دوست بود، انگلیس هم متحد ژاپن به شمار می‌آمد و روس و ژاپن دشمن خطرناک یکدیگر بودند. اما منافع روس و انگلیس چنین اقتضا می‌نمود که روس و ژاپن به اتحاد فرانسه و انگلیس وارد شوند. ولی بلندپروازی روس‌ها در این تاریخ و قدرت نظامی آن‌ها و هم‌چنین نزدیکی امپراطور روس و آلمان و روابط دوستانه آن‌ها، مانع این کار می‌شد. مشکل اول با شکست روسیه از ژاپن حل شد. اختلافات دیگر روس و انگلیس بر دو مسئله دیگر متمرکز بود: یکی بالکان برای تصرف بغازها و دیگری در

ایران که انگلیس دوست داشت این مناطق کاملاً در اختیار خودش باشد. مسئله دیگر حمایت قیصر آلمان از کروگر، دشمن انگلیس بود. هم‌چنین صادرات روزافزون آلمانی‌ها باعث نگرانی‌های فراوان شده بود. مسئله دیگر که ایجاد خطر برای انگلیس می‌نمود پیشرفت نیروی دریایی آلمان بود. هم‌چنین پیشرفت‌های تجاری و صنعتی آلمان نیز باعث شکست بازار تجارت و صنعت شده بود. به هر حال، این سوال مطرح است که چرا انگلیس در بین روسیه و آلمان، اولی را انتخاب نمود: چون منافع انگلیس هم از طرف روس و هم از طرف آلمان تهدید می‌شد. از یک طرف خطر توسعه نفوذ روس، و از سوی دیگر خطر نفوذ آلمان در آسیای صغیر و خلیج فارس و اتصال راه آهن بغداد به داخل ایران و نزدیک شدن این دو خطر به مرزهای هند به مشکلات دفاع از هند می‌افزود و سیاست انگلیس این بود که این دو دولت را با هم درگیر سازد و قوای آنها را تحلیل ببرد. اما تأمل انگلیس در این بود که خود به کدام طرف ملحق شود. منافع بریتانیا حکم می‌کرد که به روس‌ها نزدیک شود زیرا عقل و درایت روس‌ها اندک و زورشان بیشتر بود. ولی مسئله این بود که انگلیس با تقاضاهای روسیه چگونه برخورد نماید. تقاضاهای روس در بالکان، داردانل، ایران و افغانستان. مسئله ایران و افغانستان یک امر حیاتی بود و صلاح در این بود که هیچ امتیازی در این منطقه ندهد؛ پس بهتر بود که انگلیس، روس‌ها را به سوی بالکان و داردانل سوق دهد و آن‌ها را امیدوار سازد. سرانجام، در قراردادی که در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ در شهر سن پترزبورگ بسته شد روس و انگلیس اختلافات خود درباره ایران و افغانستان را حل کردند و چون اختلافات سیاسی انگلیس و فرانسه و روسیه حل شد سه دولت تشکیل اتفاق مثلث را دادند که هدفشان جلوگیری از پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آلمان بود.

۴-۲-۳- اوضاع داخلی و تحولات آلمان پس از وحدت

آلمان متحد از نظر قوای مادی و معنوی بی‌نظیر؛ مجدانه به تعلیم و تربیت فرزندان خود پرداخت. در توسعه فرهنگ و ترویج علوم بر همه کشورها پیشی گرفت و سعی داشت در صنعت و تجارت و بهداشت از علوم و اکتشافات جدید بهره بگیرد. از این رو، در مدت کوتاهی بزرگ‌ترین دولت صنعتی و تجاری اروپا گردید، مخترعان را تشویق نمود، صنایع شیمیایی را رونق داد، در وضع قوانین اجتماعی هم از بقیه دولت‌ها پیشی گرفت و برای طبقه کارگر اهمیت قائل شد. در حالی که در بقیه کشورها حقی برای کارگران قائل نبودند. ملت آلمان پس از غلبه بر اتریش و فرانسه دچار غرور ملی شد و سیاست‌مداران آلمانی از روش‌های مختلفی این غرور ملی را تقویت نمودند. حتی هر معلمی ناگزیر بود که در سر کلاس درس برتری نژادی ملت آلمان بر سایر ملل عالم را بیان کند و در شاگردان خود روح جنگجویی بدمد. گذشته از مجالس درس، در معابر، روزنامه‌ها و کتب و نمایشگاه‌ها این برتری نژادی به نوعی القا می‌شد؛ حتی نیچه یکی از معروف‌ترین فیلسوفان

آلمان هم چنین عقیده‌ای داشت. به همین دلیل کم کم طرز فکر مردم آلمان یکسره تغییر یافت و بر آنها مسلم شد که نژاد آلمانی ممتاز است و باید به سراسر زمین مسلط باشند و این تسلط هم جز از راه جنگ امکان پذیر نیست. ترویج این افکار در آلمان سایر دولت‌های اروپایی را نگران ساخت و باعث شد تا بر ضد نژاد ژرمن با هم متحد شوند.

دولت آلمان تا اواخر قرن ۱۹ در آفریقا مستعمره‌ای نداشت ولی پس از وحدت چون جمعیت آن افزایش یافت و صنعت و تجارت رونق گرفت به دنبال تحصیل مستعمرات برآمد تا هم قسمتی از مردم آلمان را به آنجا کوچ دهد و هم مواد خامی که برای کارخانه‌های داخلی لازم داشت فراهم کند. همچنین بازاری برای فروش کالاهای خود بیابد. سرانجام بیسمارک قسمت بزرگی از اراضی آفریقا را به دست آورد که شامل توگو و کامرون در ساحل غربی آفریقا و یک ناحیه در جنوب غربی و ناحیه دیگر در مشرق بود. آلمان پس از پیروزی بر فرانسه از نظر نیروهای نظامی بر سایر کشورهای اروپا برتری یافته بود؛ ولی باز هم به این کار ادامه داد و تا سال ۱۹۱۴ روز به روز بر قوای جنگی خود افزود. در سال ۱۹۱۴ آلمان از نظر صنعتی و اقتصادی به پیشرفت‌های عظیمی دست یافت. به لحاظ نظامی نیز دارای قدرتمندترین ارتش و نیروی دریایی شد. روحیه نظامی‌گری در مزرعه، کارخانه و پادگان و همه جا حاکم بود و همه چیز در خدمت ارتش قرار داشت. نیروهای نظامی آلمان بیش از یک میلیون نفر بودند و این افزایش نیروهای صنعتی و نظامی موجب اشباع جامعه آلمان گردید و آلمان مجبور بود سرمایه و کالاهای اضافی را به دیگر مناطق جهان بفرستد؛ بنابراین به دنبال مناطق نفوذ اقتصادی و منابع مواد اولیه بود و این هم یکی از دلایل جنگ جهانی اول بود.

۵-۲-۳- برقراری روابط بین آلمان و عثمانی

یکی از کشورهایی که آلمان علاقه‌مند بود روابط خود را با آن گسترش دهد امپراطوری عثمانی بود که بر منابع نفتی تسلط داشت. از سال ۱۸۸۰م. آلمان متوجه اهمیت روابط با امپراطوری عثمانی گردید. در سال ۱۸۸۲ فرمانده‌ای آلمانی مأموریت یافت ارتش عثمانی را دارای سازمان منظمی سازد و افراد آن را آموزش دهد. البته یکی از طراحان برنامه گسترش فعالیت آلمان در خاورمیانه اعتقاد داشت که اجرای این برنامه موجب درگیری بین روسیه و آلمان خواهد شد. در سال ۱۸۹۸ ویلهلم دوم و ملکه آلمان به استانبول سفر کردند و فصل جدیدی در همکاری بین دو ملت پدید آمد. امپراطور آلمان در مسافرت دوم خود به امپراطوری عثمانی خود را طرفدار دوستی ملت ترک و سایر ملل مسلمان معرفی نمود و در نطق خود اظهار داشت: «اعلیحضرت سلطان عبدالحمید و ۳۰۰ میلیون مسلمان می‌توانند اطمینان داشته باشند که آلمان، دوست و هواخواه آنهاست». این سیاست به زودی به لحاظ اقتصادی ثمرات مهمی برای آلمان به بار آورد، بانکداران و بازرگانان آلمانی در

سراسر امپراطوری عثمانی مستقر شدند و امتیازات مهمی به مؤسسات اقتصادی آلمان داده شد. آلمان در جستجوی نفت بود و علاوه بر آن برای رقابت با انگلیس به یک نیروی دریایی قوی نیاز داشت. آلمانی‌ها در هنگام مذاکره با دولت عثمانی در مورد منابع نفتی عراق سخن نگفتند بلکه فقط تقاضای اخذ امتیاز خط راه آهن را داشتند، به این شرط که امتیاز استخراج معادن اطراف راه آهن تا شعاع ۲۰ کیلومتر به آنها داده شود. در سال ۱۹۰۲ بانک آلمان، امتیاز ساختمان راه آهن برلین-بغداد را به دست آورد که باعث نفوذ هرچه بیشتر آلمان در میان رودان گردید. یکی دیگر از امتیازات آلمان از عثمانی ادامه راه آهن از بغداد به خانقین بود که آلمان تصمیم داشت پس از اتمام خط آهن بغداد، همین راه را از خانقین به تهران و ولایات مرکزی ادامه دهد و ایران را به اروپا مربوط سازد. در سال ۱۹۱۰ مدت تعهد ایران در مقابل روسیه که ۲۰ سال حق ساختن راه آهن را از ایران سلب نموده بود تمام می‌شد. به همین علت از طرف بانک مشهور آلمان به نام دویچه بانک مأموری به نام سیدروت به ایران آمد که امتیاز خط آهن خانقین - تهران را به دست آورد. این امر موجب نگرانی مقامات روسی و انگلیسی شد و باعث مبادله یادداشت هفتم آوریل ۱۹۱۰ بین ایران و آن دو دولت گردید، و ایران به ناچار تعهد نمود که بعد از این امتیازی که مخالف منافع آن دو دولت باشد به هیچ تبعه دولت خارجی واگذار نکند. بنابراین، تلاش آلمان به نتیجه نرسید.

اما نفوذ نظامی آلمان در امپراطوری عثمانی افزایش یافت و در ۱۹۱۴ آموزش ارتش عثمانی به یک گروه چهل و دو نفره از افسران آلمانی واگذار شد. سپس آلمان تصمیم گرفت در مورد ادامه راه آهن برلین - بغداد با روسیه مذاکراتی انجام دهد. در ۱۹۱۰ تزار نیکلای دوم و ویلهلم امپراطور آلمان در پوتسدام ملاقات نمودند و در مورد منافع روس و آلمان در ایران مذاکراتی صورت گرفت. سرانجام، در ۱۹ اوت ۱۹۱۱ قراردادی بین روسیه و آلمان در سن پترزبورگ منعقد شد که به موجب آن دولت آلمان منطقه نفوذ روسیه را به رسمیت شناخت. در عوض روسیه هم اجازه داد که اگر تا چهار سال دیگر راه آهن‌های روس به خانقین متصل نشود دولت آلمان حق داشته باشد خط آهن اسلامبول - بغداد و خانقین - تهران را تأسیس کند.

۳-۳- تشکیل احزاب و ایران پیش از جنگ جهانی

۳-۳-۱- شرایط سیاسی حاکم بر ایران^۸

تبدیل ایران از دولتی مستقل به دولتی تحت‌الحمایه در نخستین سال‌های حکومت قاجار آغاز شده بود و در سال‌های ۱۹۰۰ (میلادی) به بعد شتاب بیشتری یافت. این تبدیل و تنزل تأثیرات همه‌جانبه‌ای داشت: درگیری و تصرف ایران در دستان روسیه و انگلیس، قرارداد ۱۹۰۷، بارهای سنگین بحران مالی و خزانه داری و...

از آن سال‌ها به بعد در تاریخ ایران دو ویژگی، بسیار چشمگیر است: اول تلاش برای برقراری یک حکومت مشروطه و تغییر در ساختار قدرت و دوم تلاش برای صنعتی کردن کشور و تحوّل در ساختار اجتماعی و اقتصادی آن. گرچه انقلاب مشروطه در ۱۹۰۶ به پیروزی رسید ولی هیچ‌گاه به حاکمیت قانونی منتهی نشد و به رغم مظاهر دموکراسی مانند قانون اساسی و مجلس و انتخابات و... کشور به دست گروه‌های قدرتمند اداره می‌شد. هرچند ایران در سال‌های مشرف به جنگ جهانی اول کشوری رسماً مستقل و دارای نظام مشروطه سلطنتی بود.

ره‌آورد انقلاب سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ برای ایران چیزی بیشتر از یک مشروطه ناقص نبود و این انقلاب قوانین فئودالی و زیرساخت‌های سرمایه‌داری را دگرگون ساخت. بنابراین رهبری کشور هنوز به دست گروه‌های قدرتمند مانده بود.

برجسته‌ترین نماد مشروطه پس از مجلس، احزاب سیاسی بود که پیدایش آن به طور رسمی به مجلس دوم باز می‌گردد. اما در کل، تمام جنبش‌های سیاسی و اجتماعی قاجار دو روند متمایز را طی می‌نمودند. ۱- روند دموکراتیک که عاملان آن کارگران و قشر ضعیف بودند که در راستای دموکراسی و آزادی ملی تلاش می‌نمودند ۲- حزبی که عاملان آن حاکمان کلان و زمین‌داران بزرگ بودند و پس از تشکیل مجلس و اعلام مشروطیت، انقلاب را رها و برعلیه دموکراسی اقدام نمودند. این دو جریان در مجلس اول به صورت دو جناح قدرتمند و در مجلس دوم در قالب دو حزب رقیب یعنی دموکرات (انقلاب و تندرو) و اعتدالی (میانه رو، لیبرالی و محافظه‌کار) بود.

۸- آپتون، جوزف، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۵۹

۲-۳-۳- حزب دموکرات^۹

این حزب که در گذشته عناوین اجتماعیون و عامیون را داشتند، دو ماه پس از تشکیل مجلس دوم اعلام موجودیت کردند. تعداد دموکرات‌های مجلس دوم ۲۸ نفر بود و در بین دموکرات‌ها، دو نفر شاهزاده، چند روزنامه‌نگار، تجار و نویسندگان هم حضور داشتند؛ ولی هیچ‌یک از مالکان بزرگ یا مجتهدین در آن عضویت نداشتند.

این حزب خطی مشی سوسیالیستی و ناسیونالیستی مبتنی بر اسلام را رواج می‌داد. زیرا آنان از اهمیت مذهب آگاه بودند و نقش تاریخی آن را می‌دانستند. اعضا اغلب روشنفکران رادیکال، روزنامه‌نگاران، صاحبان عقیده و ایمان و نویسندگان بودند. آن‌ها خود را هوادار فقرا می‌خواندند. البته ضعف حزب نیز این بود که نه از حمایت و علاقه سیاست‌مداران برخوردار بودند و نه با طبقات پایینی که مدافع حقوق آنان بودند، ارتباطی داشتند.

تلاش آن‌ها در راستای همراه کردن اقشار پایین جامعه با آنان بود و مرامنامه آن‌ها نیز شامل این مفاد بود: ده ساعت کار روزانه، یک روز تعطیلی در هفته، منع کار کودکان تا چهارده ساله، وضع قوانین عادلانه بین مالک و دهقان، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی‌های فردی، جدایی دین از سیاست و... در زمینه سیاست خارجی نیز آنان به‌رغم تمایل اولیه‌شان به بریتانیا، پس از قرارداد ۱۹۰۷ به سوی آلمان، آمریکا و دیگر قدرت‌های نوظهور جذب شدند و بیشتر از احزاب دیگر در برابر مداخلات و سیاست‌های روسیه و انگلیس اقدام می‌کردند. سیاستی که مبنای تفکر مهاجرت در مجلس سوم بود.

۳-۳-۳- حزب اعتدالیون^{۱۰}

مهم‌ترین حزب پس از دموکرات‌ها، حزب اعتدالیون بود که از گروه معتدل و محافظه‌کار مجلس اول ریشه می‌گرفت. تاریخ تشکیل این حزب به‌درستی مشخص نیست ولی به احتمال زیاد با تشکیل مجلس دوم ظهور نمود. روزنامه و ارگان اصلی این حزب، مجلس بود و اعضای آن نقش راست افراطی را در مجلس به عهده داشتند و از منافع فئودال‌ها، مالکان و... دفاع می‌کردند و بی‌گمان در جهت خواسته‌های انگلستان و

۹- اتحادیه، منصوره، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای اسلامی، تهران: انتشارات تاریخ ایران،

تزاریسم گام برمی داشتند و در سیاست‌های خارجی نیز پیرو آنان بودند. در راستای سیاست داخلی نیز خواستار تکمیل حکومت ملی و تشکیل مجلس سنا بودند.

آنها برخلاف دموکرات‌ها از حمایت سیاست‌مداران برخوردار بودند و بیشتر اعیان و مجاهدین (ستارخان و باقرخان) و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب بودند. هدف اصلی این حزب ارائه سیاستی جدید نبود و بیشتر در جهت مخالفت با دموکرات‌ها بود تا ارائه برنامه‌ای خاص. در مطبوعات خود به دموکرات‌ها حمله می‌بردند و آنها را انقلابی تندرو می‌خواندند. اصول مرامنامه آنها نیز چنین بود: ترقی با توجه به اصول تدریجی تکامل، کوشش در جریان کلیه امور مملکتی از مرکز، رعایت احوال رنجبران، حفظ مناسبات خارجه در روابط سیاسی، تجاری و اقتصادی و... در فاصله میان این دو حزب نیز حزبی کوچک به نام اتحاد و ترقی نیز نمایان شد که تنها چهار نماینده در مجلس داشت.

بزرگ‌ترین ضعف این احزاب عدم ارتباط آنها با مردم و هم‌چنین دولت بود. انتخابات مبنای حزبی نداشت. شاه وزرا را انتخاب می‌کرد. دولت از مجلس رأی اعتماد می‌گرفت. پس وزرا چندان احتیاجی به پشتیبانی احزاب نداشتند و احزاب فاقد جایگاه شایسته خود بودند. نهایت همین احزاب ناقص در مقابله با اقدامات شوستر و اولیما توم روسیه دچار بحران شدند و بسیاری از سران بازداشت و تبعید، مطبوعات و مجلس و دیگر مظاهر مشروطه توقیف و تعطیل شدند.

۴-۳-۳- گشایش مجلس سوم و نقش احزاب در آن^{۱۱}

در سال ۱۹۱۴ در اثر فشار افکار عمومی، آشفتگی داخلی و بحران‌های غربی که رو به جنگ می‌رفت، ناصرالملک دستور انتخابات مجلس سوم را صادر نمود و خود عازم اروپا شد. احمد شاه تازه تاج‌گذاری کرد و مجلس در آستانه گشایش بود. در این میان احزاب نیز دست به بازسازی خویش زدند و مطبوعات رونقی دوباره یافتند و روزنامه‌های راست‌گرایان اعتدالی هم دست به افشای روسیه و انگلیس زدند و طرفدار آلمان و عثمانی شدند و سیاست‌های متفقین را مورد حمله قرار دادند. در کل پس از قرارداد ۱۹۰۷ همه به متفقین انتقاد می‌کردند.

۱۱- بهار، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱

انتخابات مجلس سوم بر طبق قانون اصلاحی که مجلس دوم مقرر داشته بود صورت گرفت که تعداد نمایندگان باید ۱۳۶ نفر می‌بود.

در سراسر ایران تقریباً ۱۰۷۴۷۵ رأی داده شد. در مجلس سوم تعداد روحانیون افزایش یافت و چیزی که خیلی در مجلس سوم مورد توجه بود، این بود که نفوذ و تلاش دموکرات‌ها بسیار بالا رفته بود.

محافل سیاسی پیش‌بینی می‌کردند که کسی دموکرات‌ها را انتخاب نخواهند کرد ولی دموکرات‌ها در ولایات ریشه دوانیده بودند. در خراسان و اصفهان و فارس و کرمان اکثریت داشتند.

دموکرات‌ها پس از اخراج شوستر ناامید شده بودند و بسیاری حتی ایران را ترک کرده بودند. ولی در هنگام انتخابات مجلس سوم برای حمایت از آلمان دوباره وارد صحنه شدند. در پایان انتخابات ترکیب نمایندگان این‌گونه بود: ۳۰ نفر دموکرات، ۲۹ نفر اعتدالی، ۱۴ نفر هیأت علمیه، ۲۰ نفر بی‌طرف‌ها که بعدها با دموکرات‌ها ترکیب شدند.

با گشایش مجلس فعالیت‌های احزاب نیز شروع شده بود و روس و انگلیس نمی‌توانستند به راحتی در امور داخلی شرکت کنند.

هیأت علمیه حزبی جدید بود که به عنوان راست‌گرای تندرو به‌شمار می‌رفت (دموکرات‌ها: چپ‌گرای تندرو و اعتدالیون: راست‌گرای محافظه‌کار) و روحانیون اعضای این حزب را تشکیل می‌دادند.

در این دوره اعتدالیون نیز برخلاف دوره دوم گرایش‌ات وطن‌پرستانه بیش‌تری نشان دادند و دموکرات‌ها به‌گونه‌ای چشمگیر گسترش یافت و توانستند دولتی به ریاست مستوفی‌الممالک تشکیل دهند. آنان خواهان لغو رژیم کاپیتولاسیون و قطع اداره امور پستی توسط خارجی‌ان و حفظ استقلال و تمامیت ایران بودند.

آنچه بیش از همه زمینه‌های هماهنگی و همکاری دموکرات‌ها و دیگر احزاب را فراهم آورد، عدول دموکرات‌ها از مواضع رادیکالی خود بود. به آن‌ها در مجلس دوم ثابت شده بود که تندروی افراطی به خصومت روس و انگلیس دامن می‌زند. علت اصلی این عدول سیاسی بروز جنگ بود. زیرا دموکرات‌ها بیشترین کمک را به آلمان‌ها می‌کردند و در مسائل داخلی که مربوط به آن‌ها و روابطشان با آلمان نبود پافشاری نمی‌کردند و این دلیل عمده ائتلاف آن‌ها با اعتدالیون بود.

۵-۳-۳- اوضاع ایران در آستانه جنگ^{۱۲}

احمد شاه در ۷۲ شعبان ۱۳۳۲ ه. ق طی جشنی سه‌روزه و باشکوه تاج‌گذاری نمود. چند روز بیشتر از جشن تاج‌گذاری نگذشته بود که جنگ جهانی اول آغاز شد. از همان ابتدا، رئیس الوزرا مستوفی الممالک با ارسال بیانیه‌ای به همه شهرها دولت ایران را در جنگ جهانی اول بی‌طرف اعلام نمود و با اعلام این بی‌طرفی به سفرای خارجی، از آنان تقاضای مراعات این بی‌طرفی را نمود؛ اما بی‌طرفی عملاً ناممکن بود. براساس قرار داد ۱۹۰۷ ایران میان روس و انگلیس تقسیم شده و روس‌ها بر شمال و انگلیسی‌ها بر جنوب مسلط شده بودند و به مداخله در امور این نواحی می‌پرداختند. بر اساس قرارداد ۱۹۰۷ ایران به سه منطقه - زیر نفوذ روسیه، زیر نفوذ بریتانیا و بی‌طرف - تقسیم شد. بریتانیا بر مبنای این قرارداد در ۱۹۱۰ به ایران در مورد امنیت جنوب ایران اولتیماتوم داد. البته هدف اصلی بریتانیا دستیابی به افغانستان و هندوستان از راه ایران بود. حکومت تزاری نیز در نوامبر ۱۹۱۱ به ایران اولتیماتوم داد که به معنای تلاش برای تبدیل ایران به مستعمره نیمه وابسته بود. سربازان روس در آن زمان ایالت‌های شمالی ایران را اشغال کرده بودند.

مجلس که دارای پشتیبانی مردم بود با روسیه مخالفت کرد. ولی دولت متزلزل مرکزی ایران اولتیماتوم را پذیرفت.

کار مداخله آنان در امور داخلی ایران به جایی رسیده بود که در قزوین و تبریز، روس‌ها از مردم مالیات می‌گرفتند و مانع اعزام نمایندگان آذربایجان، به مجلس شورای ملی می‌شدند. انگلیسی‌ها نیز با پرداخت وامی اندک، گمرک بوشهر را در اختیار گرفته و عواید آن را به خود اختصاص داده بودند. اقدامات روس و انگلیس در این مناطق عثمانی‌ها را نیز به تکاپو وا داشت. عثمانی‌ها در اوایل جنگ به غرب و شمال غرب سرازیر شدند. به این بهانه که روس‌ها آذربایجان را اشغال کرده اند، عثمانی‌ها با ارائه یادداشتی به دولت ایران، رعایت بی‌طرفی ایران را موکول به بیرون رفتن روس‌ها از آذربایجان کردند. تلاش دولت‌مردان ایران به منظور بیرون راندن روس‌ها که بخش‌هایی از شمال کشور را به اشغال خود درآورده بودند؛ به نتیجه‌ای نرسید و روس‌ها به بهانه حفظ جان اتباع خود در ایران، نیروهای خود را از آذربایجان و سایر نواحی اشغالی خارج نکردند، و حتی خطر حمله احتمالی عثمانی به ایران را بعد از خروجشان گوشزد نمودند.

۱۲- اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷

بلوشر، ویرت فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

ایران به علت ضعف نیروهای نظامی خود، ناگزیر به تحمل حضور بیگانگان و تجاوزات آنان در خاک خود شد. حفظ مواضع بی طرفی نیاز به وجود نیروی نظامی مقتداری داشت که بتواند از بی طرفی در مقابل دول درگیر دفاع کند؛ اما در آن زمان ارتش ایران شامل هشت هزار بریگاد قزاق با فرماندهی افسران روسی و هفت هزار ژاندارم که توسط افسران سوئدی با بودجه انگلیسی‌ها اداره می‌شد بود.

به این ترتیب به لحاظ موقعیت استراتژیکی ایران و اهمیت آن برای متحدین و متفقین، هر کدام از نقطه‌ای وارد سرزمین ایران شدند. روس‌ها به سرکردگی ژنرال باراتف تا اصفهان پیش آمدند. عثمانی‌ها از غرب و انگلیسی‌ها از جنوب و از شرق تا قاین پیش رفتند.

بسیاری از نیروهای داخلی از اعلام بی طرفی ناراضی بوده و این جنگ را موقعیتی می‌دانستند که ایران بتواند با کمک آلمان‌ها، از سلطه روسیه و انگلیس که سال‌ها ایران را تحت سلطه خود در آورده بودند رهایی یابد.

در نتیجه احساسات ضد روسی و ضد انگلیسی ایرانیان باعث شد برخی دموکرات‌های ایرانی آلمانی‌ها را متحدان درخوری تلقی کنند. آلمان‌ها به سبب دوری جغرافیایی‌شان متحد ارجحی به حساب می‌آمدند. برخلاف بریتانیایی‌ها که منافعشان در هندوستان باعث می‌شد که سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ای را در ایران دنبال کنند.

در آذر ۱۲۹۳ که مجلس سوم تشکیل جلسه داد، به دلیل نفوذ آلمان سی نفر از ۱۳۶ نفر عضو مجلس عضو حزب دموکرات بودند. این دموکرات‌ها همان سوسیال دموکرات‌های ایرانی در باکو بودند، که از آغاز جنگ در فعالیت‌های سیاسی مخفی مشارکت داشتند. آن‌ها در سال ۱۹۱۷ دست به تأسیس حزب سیاسی مستقل خود به نام "فرقه عدالت" زدند.

۶-۳-۳- گرایش به آلمان^{۱۳}

با آغاز جنگ و امیدواری عده‌ای از ایرانیان به رهایی از سلطه روس و انگلیس به کمک آلمان‌ها، آنان فعالیت خود را در ایران گسترش داده و با فرستادن نمایندگان به میان ایلات و عشایر ایرانی به تحریک آنان پرداختند. آلمان‌ها به دلیل فقدان نیروی نظامی در ایران، چاره کار را در جلب مردم از طریق دادن پول و مواجب دانسته و با گرفتن نیرو از ایلات و وعده دادن مواجب و حقوق گزاف به آنان، به نفوذ در میان ایلات پرداختند. آلمان‌ها بیشتر

۱۳- سلیمی، هدی، کرمانشاه در جنگ جهانی اول و تشکیل دولت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، ۱۳۸۶

احمدعلی، سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران: انتشارات بانک ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۳۶

اطلاعات خود در مورد ایران را، از کمیته ملیون ایرانی در برلین که سید حسن تقی زاده رهبری آن را بر عهده داشت، می‌گرفتند.

در اوایل سال ۱۹۱۵ که آلمان‌ها فرصت را برای تبلیغ و تحریکات در ایران مناسب می‌دیدند؛ نزدیک به دویست نفر مأمور آلمانی با تجهیزات کامل وارد ایران شدند. این زمان فرصت مناسبی برای تبلیغات ضد انگلیسی بود. مأموران آلمانی به منظور اجرای نقشه آلمان‌ها، مبنی بر اتحاد دنیای اسلام که از سوی عثمانی مطرح گشته بود و جلب امیر افغانستان به سوی متحدین، حمله به هندوستان و ضربه به انگلیس، وارد ایران شدند. واسموس (یکی از این مأموران) توانست عشایر جنوب را بر ضد انگلیسی‌ها تحریک و آن‌ها را به قیام وادارد؛ به گونه‌ای که عشایر تنگستانی به انگلیسی‌ها حمله و در شیراز قوای ژاندارمری موفق به سلطه بر شهر شدند. به طور خلاصه می‌توان علت گرایش به آلمان‌ها را در سیاست آنان حول محور مذهب و روحانیت و پیروی آنان از اندیشه اتحاد اسلام (که ایده آن برای عثمانی‌ها بود)، فعالیت در میان عشایر و سابقه غیر استعماری آنان دانست.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی آلمان‌ها تلاش گسترده‌ای برای نفوذ به شرق انجام دادند که راه اصلی آن‌ها برای نفوذ، راه آهن برلین-بغداد بود. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به اروپا، با سران آلمان ملاقات و مذاکره نمود و روابط دیپلماتیک میان دو کشور برقرار نمود. در سال‌های بعد نیز کشتی‌های بسیاری از آلمان‌ها خریداری شد و سفارش چند کشتی با فشار انگلیس و روسیه ناکام ماند. ولی آلمان ساکت نماند و تأسیساتی در خلیج فارس درست کرد و به مبادلات کالاها ادامه داد. بانک‌های آلمانی نیز به ایران وام می‌پرداختند و چندین مدرسه آلمانی نیز در ایران تأسیس شد. آن‌ها همچنین خود را همراه مردم ایران در به دست آوردن مشروطه و علاقه‌مند به استقلال سیاسی و اقتصادی کشور نشان می‌دادند.

این روابط تجاری آلمان و ایران در سال‌های طولانی ادامه داشت و روندی صعودی داشت و حجم تجارت این دو کشور از سال ۱۲۸۲ تا ۱۹۱۲، چهل برابر افزایش یافت.

فعالیت‌های اقتصادی آلمان در چهار زمینه گسترش یافته بود:

۱- تجارت‌خانه‌هایی که مستقیماً با کارخانه‌ها در ارتباط بودند.

۲- مؤسسات دارویی

۳- شرکت‌های صادراتی

۴- شرکت‌های وارداتی

ولی ایران و عثمانی روابط خوبی با یکدیگر نداشتند. مرزهای طولانی و مشترک، انتقال عشایر و کوچ‌نشینان مرزی، اختلافات مذهبی، خودسری حکام بغداد و ستمکاری‌های عثمانی در حق عشایر مرزی و... همه از عوامل اختلاف ایران و عثمانی بود و فتوهای روحانیون دو کشور عمدتاً بر علیه یکدیگر بود.

دورویی عثمانی عنصر اصلی روابط میان دو کشور بود. به هنگام فراغت قوای خود را در جهت توسعه‌طلبی به مرزهای ایران می‌فرستادند و عشایر مرزی را به شورش وا می‌داشتند. ولی هنگام شکست از در دوستی وارد می‌شدند و سفیرانی را به کشور می‌فرستادند و با عذرخواهی، سیاست‌مداران غافل را ناآگاه‌تر می‌کردند.

البته درگیری‌های نظامی میان دو کشور ادامه داشت. در این میان عهدنامه‌ای برای صلح دو کشور به نام ازرنه‌الروم به امضا رسید که روز به روز از اعتبار آن کم می‌شد و به هیچ وجه کارساز نبود.

تا این که میرزا تقی خان عمدنامه دوم را بست و در پی آن خطوط مرزی مشخص تعیین شد. برای زیارت و بازرگانی و کوچ عشایر هم تصمیماتی گرفته شد.

ولی درگیری‌های مرزی تا پایان امپراطوری عثمانی ادامه داشت. آن‌ها در ۱۹۰۵ با بهانه‌های مختلف به مرزهای ایران تجاوز کردند و نواحی غربی آذربایجان را گرفتند. دولت و مجلس هم که در آن زمان گرفتار مشروطه و مسائل داخلی بودند به این مسئله توجهی نداشت. عثمانی‌ها علاقه زیادی به تصرف آذربایجان داشتند و هیچ‌گاه از منافع توسعه‌طلبانه خود دست نکشیدند و با شروع جنگ به بهانه حضور روس‌ها به سرعت آذربایجان را اشغال کردند. این توسعه‌طلبی‌های عثمانی ظاهری جذاب و فریبنده داشت. به عنوان مثال با شروع جنگ جهانی اول به بهانه سیاست‌های پان‌ترکیسم و پان‌اسلامیسم و... ایرانیان را برای به دست آوردن منافع بیشتر به سمت خود جذب می‌کردند.

گفتیم که در جنگ جهانی اول افکار عمومی مردم به دلیل انزجار چندین ساله از روسیه و انگلیس به متحدین تمایل پیدا کرده بود. آن‌ها فکر می‌کردند با ورود در جنگ از دخالت‌های روسیه و انگلیس کم می‌شود ولی دولت سعی در بی‌طرف نگه داشتن مردم داشت. افرادی نیز فکر می‌کردند که متحدین در جنگ پیروز می‌شوند و آن‌ها با حمایت از متحدین در طول جنگ، قرارداد ترکمنچای و ۱۹۰۷ را می‌شکنند.

متحدین به خصوص آلمان که این حد از انزجار را دیدند که حتی عوام‌ترین اقشاری که از ساده‌ترین مسائل سیاسی سر در نمی‌آوند، تنها راه نجات خود را توسل به آن‌ها می‌دانند، از این فرصت نهایت استفاده را بردند.

در کنار دموکرات‌هایی که نقش اساسی در گرایش به آلمان داشتند، رهبران دینی نیز در این زمینه نقش مهمی داشتند. متحدین هم تمام تلاش خود را برای متقاعد کردن روحانیون برای فتوا دادن، می‌کردند.

در این میان فتوای جهاد سلطان محمد رشاد خان پنجم، حاکم عثمانی، که خود را خلیفهٔ مسلمین می‌دانست بسیار کارساز بود. این فتوا تمام مسلمین جهان را به جهاد در برابر دشمنانشان فرا می‌خواند و در نتیجهٔ آن قبایل کرد و ترک و عرب بسیاری از عراق (بین‌النهرین) راهی جبههٔ جنگ شدند. در ایران نیز شهرستان‌های مختلف کشور در شمال غرب، غرب و جنوب و جنوب شرق دست به کار شدند.

به هر صورت عثمانی تمام تلاش خود را می‌کرد که روحانیونی را به خاک ایران بفرستد که زمینهٔ توجه افکار عمومی به نفع آلمان و عثمانی را فراهم کنند. اما این امر با اعلان بی‌طرفی ایران کاملاً مغایرت داشت. حتی در زمانی که این اعلان بی‌طرفی، بی‌معنی باشد ولی حفظ ظاهر برای دولت واجد بود تا بهانه‌ای به دست روسیه و انگلیس برای حمله به مرزهای ایران نباشد.

طبق نامه‌ای در کتاب ایران در جنگ بزرگ نوشته شده که تعدادی روحانی از بغداد با کمک دو درویش ایرانی در نزدیکی کرمانشاه چادر زده بودند و می‌خواستند اسلحه‌های زیادی را به شهری نزدیکی قصر شیرین بفرستند. آن‌ها می‌خواستند عشایر را نیز با خود همراه بکنند و حاکمان کرمانشاه مانند امیر مفخم با این امور مخالفت می‌کردند و در نامه به این حرکت اعتراض شده بود.

فعالیت‌های آلمان در ایران بسیار قابل ملاحظه بود و اسنادی که در این رابطه پیدا شده اند نشان می‌دهند که آلمان در ایران دو نقش داشت. در ابتدا نمایندگان پول‌های خود را میان عشایر و ایلات تقسیم می‌کردند و سلاح در اختیار آن‌ها می‌گذاشتند و اینکه تمام اتباع روس و انگلیس را بیرون می‌کردند و نمایندگان سیاسی آن‌ها را می‌کشتند. وجود مأموران مخفی آلمان نیز سهم زیادی در پیش‌روی اهداف آن‌ها در کشور داشت.

در دسامبر ۱۹۱۴/زمستان ۱۲۹۴ که مجلس سوم بر سرکار آمد، سی نفر از صد وسی و شش نماینده آن عضو حزب دموکرات بودند. این مجلس با اکثریت و اقلیت نامعلوم توسط احمد شاه افتتاح شد و از همان ابتدا گرفتار بحران فکری شدیدی شد و همان‌طور که گفته شد مخالف سیاست بی‌طرفی ایران بود. به ویژه نمایندگان دموکرات خواستار همراهی ایران با آلمان‌ها و جنگ بر ضد متفقین بودند. هنگامی که متفقین از این گرایش و نفوذ آلمان‌ها در میان نمایندگان اطلاع یافتند، به تکاپو در آمدند. روسیه نیروهایش را در نوامبر ۱۹۱۴/آبان ۱۲۹۴ برای مقابله با خطر آلمان‌ها وارد انزلی کردند و از مستوفی الممالک خواستند که ژاندارم‌ها را که در فارس و اصفهان از آلمان‌ها طرفداری می‌کردند احضار کند.

نیروهای روسیه تا قزوین آمده و تهدید به اشغال پایتخت نمودند. پایتخت دچار ترس و وحشت گشت. سفرای خارجی شهر را ترک کردند و مستوفی الممالک تصمیم گرفت شاه را از تهران به اصفهان ببرد. او قبلاً به دموکرات‌ها و تعدادی دیگر از نمایندگان دستور حرکت به قم را داده بود. در قم مهاجرین به رهبری سلیمان میرزا و با کمک آلمانی‌ها کمیته دفاع ملی را تشکیل داده و با فرستادن نمایندگانی به شهرها خواستار پیوستن مردم و مشغول گرد آوری نیرو شدند. اما با پیشروی روس‌ها به سوی مهاجرین آنان ناچار به ترک قم گشته و به سوی کرمانشاه روانه شده و در این شهر به پیشنهاد آلمان‌ها حکومت موقت به رهبری نظام السلطنه مافی تشکیل دادند.

اعضای حکومت موقت در کرمانشاه ماندند تا این که بعد از شکست نیروهای دولت موقت در کنگاور از روس‌ها، به قصر شیرین رفتند (در مورد این اتفاقات در بخش کرمانشاه توضیح مفصل می‌دهیم) و در آنجا با دریافت پیام‌های تبریک از سوی امپراطوران آلمان و عثمانی رسمیت یافتند. دولت موقت با شش وزیر جلساتی را برگزار نموده و به اداره امور پرداخت؛ اما با مشکلات فراوانی رو به رو شد، از جمله دچار اختلافات داخلی گشته بودند و وعده‌های آلمانی‌ها عملی نشده بود. زیرا آنان راهی برای رساندن اسلحه و دیگر کمک‌ها به ایران نداشتند. نیروهای روسی مدام در حال پیشروی بودند. عاقبت با حمله روس‌ها به قصر شیرین آنان به سمت عراق عقب نشستند. اقامت آنان در خارج از ایران شش ماه به طول انجامید و پس از آن که عثمانی کرمانشاه را گرفت، مهاجرین به این شهر بازگشته و حکومتشان را برقرار کردند.

۱۴- بلوشر، ویرت فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

۴-۳- کرمانشاه پیش از جنگ

۱-۴-۳- اوضاع کرمانشاه قبل از جنگ^{۱۵}

کرمانشاه استانی با وسعتی به مساحت ۸۵۴۷ کیلومتر است که در حاشیه رودخانه قره سو قرار گرفته و از شمال با کردستان، از جنوب با لرستان و از مشرق با همدان همسایه است. این شهر که در دوره قاجار مرکز ایالت غرب بوده، با موقعیت ریاضی بین سی و سه درجه و سی و شش دقیقه تا سی و پنج درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی، چهل و پنج درجه و بیست و چهار دقیقه تا چهل و هشت درجه و سی دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این شهر از سطح دریا ۱۴۱۰ متر ارتفاع دارد. کرمانشاه همواره شهری نسبتاً بزرگ و مهم در کنار راه‌های تاریخی، که از بین‌النهرین آغاز شده و با گذشتن از جلگه مرتفع ایران به قلب آسیا می‌پیوندد، بوده است.

در دوران قاجار این ایالت مقر حکمرانی محمدعلی میرزا و سرحددار عراقین شد و والیان شهرهای لرستان، خوزستان و پشتکوه از آن تبعیت می‌کردند. کرمانشاه در سال ۱۳۲۵ ه.ق در تقسیمات کشوری به چند بلوک تقسیم شد که هر بلوک با نام طایفه یا ایلی که در آن سکونت داشت نام گذاری شد. بعدها این شهر مرکز استان پنجم شد که شهرستان‌های آن: همدان، ملایر، نهاوند، تویسرکان، سنندج، ایلام، شاه‌آباد و قصرشیرین بودند. ولی پس از اصلاحاتی که شکل گرفت، شهرستان‌های تابعه آن عبارت بودند از: اسلام‌آباد، جوانرد، سنقر و کلیایی، گیلان غرب، سرپل ذهاب، صحنه، هرسین، کنگاور، پاوره و قصر شیرین و مرکز استان هم شهر کرمانشاه بود. این شهر به دلیل آن‌که در نزدیکی دروازه‌های زاگرس و در ارتفاع کم قرار گرفته است، تنها راه عبور به داخل این رشته کوه‌ها محسوب می‌شود. مسیر کرمانشاه راحت‌ترین و کم‌خطرترین راه برای ورود به داخل فلات ایران است. این مسئله از زمانی که ارتباط میان بغداد و کشورهای اروپایی گسترش یافت اهمیت بیشتری به شهر داد.

کرمانشاه به دلیل دارا بودن موقعیت‌های جغرافیایی مختلف دارای شرایط آب و هوایی گوناگونی است. مناطق کوهستانی دارای زمستان‌هایی سرد و پربرف و تابستان‌هایی معتدل هستند. اما در نواحی جلگه‌ای زمستان معتدل و تابستان گرم و خشک است. این استان دشت‌هایی حاصل‌خیز و چشمه‌های متعدد و پرآب دارد که امکان زندگی در جای جای آن را فراهم نموده است. کرمانشاه در جغرافیای سیاسی کشور نیز دارای اهمیت

۱۵- احمدعلی، سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران: انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۳۶

بلوشر، ویرت، فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

فراوان و نقش اساسی است. بخش مهمی از مرز غربی ایران با عثمانی سبب موقعیت استثنایی کرمانشاه شده و این شهر را از دیر باز به عنوان شاهراه ارتباطی شرق و غرب قرار داده است.

کرمانشاه همواره به عنوان شهری نسبتاً بزرگ برکنار راهی تاریخی که از دشت بین‌النهرین شروع می‌شد و با گذشتن از جلگه منتخب ایران به قلب آسیا می‌پیوندد، از اهمیت خاصی برخوردار بود. این شهر در ایام صلح مبتنی بر کاروان‌های بسیار بود. پس از آنکه نظام السلطنه با دولت خود در آن دیار مقام گرفت دیگر کرمانشاه تبدیل به مقر حکومتی شد. هوای خوش و پر طراوت و کوهستانی کرمانشاه برای این کار سخت مناسب و مساعد بود.

خیابان‌های کرمانشاه آن قدر تنگ بودند که رفت و آمد با کالسکه در آن‌ها غیر ممکن بود. هم‌چنین چنان ناهنجار و پر دست‌انداز بود که پیاده راه رفتن در آن ممکن نبود. پس هرگاه کسی به مهمانی یا خرید می‌رفت ناگزیر می‌بایست بر روی اسب می‌نشست و همواره باید خادم، اسبی همراه خود داشته باشد تا راه را برایشان باز کنند. لزوم بودن خادم‌ها برای انسان‌ها نبود، بلکه برای شترها و الاغ‌هایی بود که حاضر به کنار رفتن نبودند و از آن‌جایی که شترها قالباً گروهی حرکت می‌کنند، این راه را تنگ‌تر از آنچه هست می‌کنند.

معماری خانه‌ها در کرمانشاه به طوری بود که اگر کسی از بیرون به آن نگاه می‌کرد نمی‌توانست تصویری از داخل خانه داشته باشد.

کوچه‌ها و خیابان‌ها عموماً کثیف بودند. اما این خیابان‌های کثیف به باغ‌های زیبا و تمیز می‌رسید که نشان‌گر سبک ایرانی دارای باغ‌های رنگارنگ و دل‌انگیز بود. همه این‌ها به ساختمان‌هایی با عنوان‌های ستون‌دار منتهی می‌شدند. در خانه‌های ساده ایرانی از صندلی خبری نبود و به جای آن از قالی استفاده می‌کردند. دیگر اینکه برای اتاق خواب و غذا خوری جای خاصی در نظر نمی‌گرفتند. شب‌هنگام بالش و لحاف را به عنوان تخت به اتاق نشیمن می‌آوردند. با قاشق و چنگال غذا نمی‌خوردند، بلکه برای این کار از دست‌ها استفاده می‌کردند. نکته دیگر آن‌که توجه پایه را به خود جلب می‌کند این است که سلام و تعارف کر نشان نه به حال ایستاده بلکه پس از جلوس انجام می‌گرفت.

هم‌چنین از تفریحات مورد علاقه و مهم آن‌ها رفتن دست جمعی به دشت و صحرا بود. در سایه درختانی که چندان فراوان نبودند و در جوار رودهای جاری.

در سفرنامه ناصرالدین شاه درمورد این استان چنین گفته شده است که کرمانشاه جمعیتی مهاجرتی داشته که به علت نوع زندگی در فصولی از سال مجبور به مهاجرت به مناطق روستایی و ایلیاتی خود می‌شوند. در مناطق مختلف کرمانشاه هم‌چنین توجه به سواد و سواد آموزی بسیار کم بود. درحالی که نوشته‌های فرید الملک به وجود مدارس با قدمت زیاد در کرمانشاه اشاره شده است.

کرمانشاه اصولاً از نظر مذهبی شهری قابل توجه بود. آنجا مرکز مفر فرقه‌های عجیب علی‌اللهی بود. حرف اساسی آنان چنین بود: "من علی را خدا نمی‌دانم. از خدا هم جدا نمی‌دانم" علی‌اللهی‌ها از شمار آن دسته و گروه‌هایی هستند که در تکلم حضرت علی علیه السلام راه مبالغه و غلو می‌پیمایند.

۵-۳- کرمانشاه پس از جنگ

۱-۵-۳- اوضاع کرمانشاه بعد از جنگ جهانی اول^{۱۶}

با تاج‌گذاری احمد شاه در تهران تلگراف این رویداد به همه ایالات مخابره شد. حکمران ایالت کرمانشاه در آن دوران فرید الملک همدانی بود. فرید الملک پس از دریافت تلگراف تاج‌گذاری احمد شاه، در دار الحکومه کرمانشاه مراسم جشن برگزار نمود. چهارده توپ به تعداد سال‌های سن پادشاه شلیک شد. نمایندگان دولت‌های خارجی با لباس‌های رسمی به دعوت حکمران در این مراسم شرکت نمودند. موقعیت کرمانشاه و از دسترس دور بودن آن برای قوای روس و انگلیس و شاهراه تجارتي و نظامی آن که می‌توانست کمکی برای آلمان و عثمانی برای حمل قوا و تجهیزاتشان باشد، هم‌چنین وجود ایالات و طوایف عمده در اطراف شهر که همگی دارای اسلحه بودند و همسایگی کرمانشاه با عثمانی از همان آغاز جنگ این شهر را به صورت یکی از مناطق حساس مورد توجه قرار داد.

زمانی که امپراطوری عثمانی، سلطان محمد پنجم، فتوای جهاد داد و به تأیید شیخ الاسلام نیز رسید، با استفاده از فتوای علمای شیعه و سنی بر ضد روس و انگلیس، عثمانی سعی در اعزام روحانیون به ایران از مسیر کرمانشاه و استفاده از تبلیغات آنان به نفع عثمانی و آلمان نمود. با توجه به اعلام بی‌طرفی دولت ایران این اقدام دولت عثمانی با اعتراض حکمران کرمانشاه مواجه شد. هم‌چنین روحانیونی از جانب عثمانی با دریافت مواجب برای تحریک مردم به این شهر آمدند که اقدامات آنان با مخالفت کارگزاران شهر براساس حکم بی‌طرفی ایران مواجه شدند.

رقابت‌های حزبی نیز که از سوی حکمرانان تشدید می‌شد بر حساسیت‌ها در این شهر می‌افزود. با توجه به این که در کرمانشاه چند سال پیش فرمانفرما حاکم بوده و او خودش از اعضای حزب اعتدال بود؛ در ایام

۱۶- بلوشر، ویبرت، فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهاندار، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷

حکومتش مردم را به پیوستن به این حزب تشویق نموده و و این حزب در کرمانشاه نیرو گرفت. عده‌ای نیز به مخالفت آنان به حزب دموکرات پیوستند و همین امر سبب بروز رقابت‌های حزبی شدیدی در شهر شده بود. تا این‌که انتخابات مجلس سوم فرا رسید. در جریان انتخابات، دیگر حامیان حزب اعتدال چندان قدرتی نداشتند. از جمعیت پنجاه هزار نفری کرمانشاه در آن دوران، ۷۳۶۱ رای در این شهر داده شد و بعد از تهران بیشترین تعداد رأی دهندگان را داشت. دلیل این امر، مخالفت دموکرات‌ها با حاکمیت فرمانفرما در این شهر و تلاش در جذب مردم به منظور راه‌یابی خودشان به مجلس بود. دموکرات‌ها بلافاصله پس از راه یافتن به مجلس نیز مخالفت خود را با فرمانفرما آشکار ساختند.

انتخابات مجلس سوم در کرمانشاه چندان آرام برگزار نشد. کارشکنی‌های فرمانفرما سبب به جنجال کشیده شدن این انتخابات شد. وی با تحریک حسن نامی، بهانه ناصحیح بودن انتخابات مجلس ناظرین بر انتخابات را بست. این اقدام، سبب شورش مردم و دسته‌بندی‌های سیاسی میان آنان شد. خلخال‌ها خود را اعتدالی و ایل سنجابی و عده‌ای از ایل کلهر خود را منسوب به دموکرات نامیدند.

با آغاز جنگ، اخبار و گزارش‌های جنگ جهانی اول موضوع بحث هر مجلسی در شهر بود. در این زمان از سوی حزب دموکرات نامه‌ای به سران ایل سنجابی فرستاده شد که در آن شیخ حسن تهرانی را، که به سمت ریاست معارف به کرمانشاه آمده بود، مأمور تبلیغ از سوی دموکرات‌ها معرفی نمود. شیخ حسن در میان ایل به تبلیغ بر ضد روس‌ها پرداخت و با برشمردن مظالم روس‌ها و همدستی‌شان با انگلیسی‌ها از ضرورت قیام ملی و اتحاد مسلمانان و هم‌چنین از اقدامات کمیته ملیون سخن گفت. اخبار جنگ و در کنار آن اقدامات دموکرات‌ها سبب گرایش بیشتر به حزب دموکرات از سوی مردم شهر شد. در این شرایط هیجان و تکاپوی شدیدی نیز در میان ایلات و عشایر کرمانشاه به وجود آمد و این استان، با موقعیت حساسش، با قیام ملی هماهنگ گشته و اکثریت عشایر و ایلات و هم‌چنین بسیاری از شهرنشینان آزادی‌خواه برای همکاری و همراهی مهاجرین آماده شدند.

پس از آن‌که کمیته دفاع ملی قم با اعتدالیون متحد شد، در کرمانشاه رؤسای دو حزب گرد آمده و انجمنی به نام کمیته دفاع ملی کرمانشاه تشکیل دادند و به طور موقت اختلافات حزبی را کنار گذاشتند. اما این فقط ظاهر اوضاع بود زیرا آنان در این صورت باید برعلیه فرمانفرما اقدام می‌نمودند. اعتدالی‌ها هرگز این کار را انجام ندادند. از میان دموکرات‌ها آقامحمدعلی مجتهد معروف به قوام‌العلماء و از اعتدالیون سیداسماعیل اجاق که از دوستان فرمانفرما بود به ریاست انتخاب شدند. در همین ایام رؤسای عشایر تصمیم به اشغال ادارات

دولتی و پست و تلگراف گرفتند. چند روز بعد، از سوی کمیته دفاع ملی کرمانشاه سه نفر مأمور سانسور تلگرافات و سه نفر مأمور سانسور در اداره پست شدند.

موقعیت حساس این شهر سبب توجه کشورهای درگیر جنگ نیز شد. هنگامی که از طرف حکومت مرکزی امیر مفخم بختیاری با عنوان حکمران کرمانشاه انتخاب شد، موقعیت حساس این شهر سبب شد، چرچیل در دیدار با او در سفارت انگلیس بگوید: «سفارت آلمان و عثمانی با حکومت شما مخالفت نموده‌اند. شما نیز در کرمانشاه لااقل باید بی طرفی متمایل به انگلیس را لحاظ کنید و گرنه ما شما را عزل می‌کنیم.» چند روز بعد مورخ الدوله، منشی سفارت آلمان به دیدن او که عازم حرکت به محل مأموریتش بود رفته و به وی وعده مساعدت و تقویت داد. عکس امپراطور آلمان که در زیر آن نوشته شده بود: عکس امپراطور آلمان دوست اسلام محض یادگار از طرف رادولف دو کاردرف شارژر دافر امپراطوری آلمان به جناب امیر مفخم بختیاری اهداء گردید. قبل از آن کمیته مرکزی حزب دموکرات کتابچه‌هایی رمزی مهیا کردند و افرادی زبده و مورد اطمینان را انتخاب نموده و به شهرها فرستاده تا دستورات پنهانی کمیته مرکزی را به مسئولان ولایات ابلاغ کنند.

تأثیر اقدامات شوینمان کنسول آلمان و نمایندگانی که از سوی کمیته دفاع ملی به کرمانشاه آمده بودند، از جمله آقایان امیر خیزی، شیخ حسن تهرانی، جمالزاده و کاظمزاده نزد خوانین ایلات غرب سبب شد؛ در اواخر سال ۱۳۳۳هـ.ق رؤسای ایلات و طوایف غرب کشور و ایالت کرمانشاه جمع شده و جهت نگهبانی و حفظ مرزهای غرب تصمیم گرفتند، اختلافات خود را کنار گذاشته و به مبارزه با عوامل دولت‌های روس و انگلیس پردازند. این افراد در ماهی دشت تجمع نموده و در تلگرافی به احمدشاه، آمادگی خود را در دفاع از کشور اعلام نمودند.

۲-۵-۳- فعالیت آلمانی‌ها در کرمانشاه^{۱۷}

از آنجا که راه کرمانشاه تنها راه قابل عبور از تهران به بغداد و استانبول و از آنجا به خاک آلمان است، آلمان برای این منطقه اهداف زیادی داشت. سیاست آلمان در کرمانشاه بدین گونه بود؛ که تا حد امکان اسلحه و مهمات از طریق مرزهای عثمانی وارد نموده، توزیع نمایند و در به کارگیری مزدوران جنگجو فعالیت نماید. آلمان‌ها به منظور اجرای نقشه‌هایشان گروه‌هایی به سمت ایران فرستادند.

۱۷- احمدعلی، سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران: انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۳۶

آلمانی‌های مقیم کرمانشاه نیز همواره از سرزمین ایل کلهر اسلحه و مهمات وارد می نمودند.

آنان چهل هزار قبضه تفنگ، از طریق کرمانشاه و کردستان برای تقسیم میان ایلات به ایران وارد نمودند. آلمان‌ها تحریکات گسترده‌ای علیه متفقین در کرمانشاه انجام دادند.

علاوه بر اقدامات ذکر شده، دولت آلمان در راستای اهدافش در ایران، شونمان را به عنوان کنسول به کرمانشاه فرستاد. شونمان با تهمت دول دیگر مبنی بر تولید اغتشاش علیه دولت ایران مواجه شد. شونمان از سال‌ها قبل در ایران حضور داشت. او به عنوان تاجر در ایران به فعالیت می‌پرداخت. شونمان مدیر شرکت آلمانی پتاگ در تبریز بود. وی با آغاز درگیری‌ها در ایران مأمور شد به کرمانشاه برود و یک قرارگاه برای هیأت نیدرمایر در این شهر ایجاد نماید. پس از ورود شونمان به کرمانشاه، یک سازمان بزرگ جاسوسی انگلیس نیز در این شهر کشف شد که شعبات متعددی در بین‌النهرین داشت.

معاضدالملک، کارگزار کرمانشاه، در گزارشی به آمدن محی‌الدین یوزباشی از بغداد همراه دو درویش که احتمالاً یکی از آنان سالارالدوله باشد به خانقین و فرستادن اسلحه فراوان از سوی بغداد برای آنان سخن گفته است. در این گزارش بیان شده که این افراد در صدد آمدن به قوره تو در نزدیکی قصر شیرین هستند. عثمانی‌ها قصد داشتند، سالارالدوله را با رؤسای عشایر همراه نموده و به کرمانشاه بفرستند. این اقدامات به امر والی بغداد بوده که در صدد تحریک عشایر این ناحیه به‌همراهی با عثمانی بود. مستوفی‌الممالک هشدار داد، ورود نیروهای عثمانی به خانقین سبب می‌شود ایران برخلاف میل قلبی بر ضد دولت عثمانی وارد جنگ شود؛ زیرا سالارالدوله مدعی سلطنت است و همه وزرای شاه بر علیه او اقدام می‌کنند مجلس نیز در مخالفت با سالارالدوله با شاه همراه است.

آلمانی‌ها علاوه بر انتقال و توزیع اسلحه همه‌روزه ساکنین و روحانیون و ایلات را به ترک بی‌طرفی تحریک نموده و مخفیانه زمینه را برای ورود نیروهای عثمانی فراهم می‌آوردند. در مذاکراتی که با سران عشایر داشتند قرار شد با پخش کردن پول میان عشایر غرب تحت عنوان راهداری امنیت راه تهران-بغداد تأمین شود.

تحریکات شونمان به عنوان کنسول آلمان در کرمانشاه اعتراض روس و انگلیس را برانگیخته بود. سفارت روسیه اطلاع داد دو نفر آلمانی در کرمانشاه مشغول تهیه سوار و اسلحه هستند و خواستار جلوگیری از آن شدند. به دلیل همین اعتراضات گسترده، از سوی وزارت خارجه به کارگزاری کرمانشاه مأموریت داده شد به گونه‌ای که شونمان متوجه نشود او را به بهانه استقبال از وزیر مختار آلمان و اتریش، از کرمانشاه حرکت دهند.

قرار شد، در صورتی که شونمان خواست به استقبال وزیر مختار در مرز برود، برای امنیت راه کارگزاری از میان سواران دولتی هر چند نفر که مورد نیاز شونمان بود، به او بدهند و نگذارند خود او سوار تهیه کند. پیش از این کنسول آلمان عده‌ای از افراد محلی را استخدام نموده بود و نشان عقاب به کلاهشان زده و آنان را به نگهبانی از کنسول‌گری آلمان گماشته بود. هم‌چنین وی از روستاهای اطراف، صد نفر را به عنوان سواران شخصی استخدام نموده بود و بر کلاه‌های آنان نیز نشان عقاب زده بود. سلیمان خان و عباس خان، از رؤسای ایل کلهر نیز در مذاکراتی قول فرستادن چهارصد سوار را به شونمان دادند و شونمان نیز برای آنان چهارصد نشان فرستاد. این اتفاقات و خودسری‌های شونمان با اعتراض برخی از رؤسا به ویژه اعضای حزب اعتدالی روبرو شد.

روس‌ها در تهران، تحریکات شونمان در کرمانشاه را گوشزد نموده و از دولت ایران تقاضای برکناری وی را داشتند. مسیو فن باخ که از سوی سفارت روس به وزارت خارجه آمده و اعتراض نموده بود که کنسول روسیه مقیم کرمانشاه از توقف شونمان در این شهر مضطرب گشته است.

معاون الدوله غفاری، وزیر خارجه، در جواب مسیو فن باخ اظهار نموده بود، علت توقف شونمان رسیدگی به اموال گم شده چند نفر آلمانی که هنگام جنگ از آنجا عبور کرده اند بوده است و به او تلگراف شده که از این شهر به سوی محل مأموریتش در سلطان آباد حرکت کند. با وجود همه تلاش‌های روس و انگلیس، بر اثر اتحاد رؤسای ایلات غرب کشور شونمان قدرت فراوانی کسب نمود و تقریباً حکمران واقعی این ناحیه گشت.

شونمان در اواخر فوریه ۱۹۱۵ در کرمانشاه عملیات موفقی را علیه روس و انگلیس آغاز نمود. وی هنگام ورود کاروان وزرای مختار به کرمانشاه با جذب نگهبانان هندی کنسول‌گری انگلیس و بیست قزاق نگهبان کنسول‌گری روس دست به مانوری محاصره‌گونه زد و همه اتباع روس و انگلیس از شهر خارج شدند. کنسول روس و کنسول انگلیس که در همدان اقامت داشتند، وسایل بازگشت خود را به کرمانشاه فراهم نموده و درصدد خنثی‌سازی فعالیت‌های شونمان برآمدند. کنسول‌های روس و انگلیس، با گروهی محافظ، مرکب از هفتاد قزاق روس و سی سوار ایرانی روانه کرمانشاه شدند و تا کنگاور رسیده و هنگام استراحت در این شهر با شونمان روبرو گشتند. شونمان در پیامی برای حاکم شهر تسلیم دو کنسول را خواستار شد دو کنسول با آگاهی از موضوع به مقابله شتافته و جنگ میان کنسول روس و انگلیس با شونمان آغاز گشت. پس از سه ساعت تیراندازی با میانجی‌گری حاکم شهر کنسول‌ها موافقت نمودند، در صورت تأمین جانی به همدان بازگردند. این حادثه در

تهران سبب هیجان عظیمی شد. به گونه‌ای که وزرای مختار روس و انگلیس شدیداً دولت را تحت فشار قرار دادند و برخی مطبوعات نیز اقدامات شونمان را ناقص بی‌طرفی ایران دانستند.

سفارت آلمان پس از درگیری شونمان با کنسول روس و کنسول انگلیس، با اقداماتی سعی در دفاع از دیپلماسی کشور خود و رد اتهام از شونمان داشت. آلمان‌ها بیانیه‌ای به همین منظور انتشار دادند. پرنس رویس وزیر مختار آلمان نیز در مصاحبه با روزنامه عصر جدید، اقدام شونمان را در دفاع از خود اعلام نمود. دلیل اقدامات شونمان را اهمیت راه ارتباطی کرمانشاه برای آلمان‌ها عنوان نموده اند. زیرا راه‌های شمال و جنوب ایران به روی آنان بسته شده بود و تنها سیم تلگرافی که آلمان‌ها از طریق آن با تهران و عثمانی ارتباط داشتند در این شهر بود. پس از این حوادث وزارت خارجه در نامه‌ای به سفارت آلمان سمت ویس کنسولی شونمان در سلطان آباد را به دلیل تحریکاتش در میان عشایر کرمانشاه نپذیرفت.

با خروج کنسول روس و انگلیس از کرمانشاه، آلمانی‌ها اسباب و لوازم بانک شاهنشاهی و کنسول-گری انگلیس را ضبط نموده و به کنسول‌گری آلمان انتقال دادند. علی‌رغم منع نمودن آلمان‌ها توسط کارگزاری کرمانشاه به این کار، آنان اعتنایی نکردند و کارگزاری با مراجعه به کمیته دفاع ملی کرمانشاه آنان را واسطه قرار داد، که اقدامات آنان نیز نتیجه‌ای نبخشید و کلیه اموال بانک و کنسول‌گری انگلیس به کنسول‌گری آلمان منتقل شد.

۳-۵-۳- درگیری در کنگاور^{۱۸}

در بخش قبل که درباره مسیر حرکت مهاجرین گفتیم، ذکر شد که همه این حرکت‌ها با حمایت آلمان میسر شده بود. در آن زمان آلمان‌ها پس از تلاش بسیار برای جستجوی فردی برای به دست گرفتن رهبری مهاجرین ایرانی، نظام‌السلطنه را انتخاب نمودند. ضمن مذاکرات با وی که والی لرستان بود، قراردادی نیز با وی بستند. نظام‌السلطنه و کانتیز در قراردادی با هم تعهداتی را بر عهده گرفتند؛ نظام‌السلطنه قبول کرد رهبری مهاجرین را بر عهده گرفته و به جمع‌آوری نیرو بپردازد به شرط آن‌که توافق او و کنت کانتیز توسط دولت آلمان به رسمیت شناخته شود و آلمانی‌ها پول و اسلحه کافی در اختیار نیروهای کمیته بگذارند. کنت کانتیز نیز تعهد داد آلمان‌ها علاوه بر تأمین اسلحه مورد نیاز، ۲ سال تمامیت ارزی ایران را حفظ نموده و ماهیانه ۲۰۰۰۰ تومان به نظام‌السلطنه پرداخت نمایند. نظام‌السلطنه پس از امضای قرارداد با آلمانی‌ها با نیروهایش از لرستان به کرمانشاه

۱۸- احمدعلی، سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران: انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۳۶

آمد؛ در حالیکه سرداران و سواران مسلح فراوانی او را همراهی می نمودند. وی در اوایل صفر ۱۳۳۴ ه. ق با هزار نفر سوار شخصی، تفنگدار دولتی و چریک‌های لر از بروجرد به سوی صحنه آمد. با پیوستن نظام‌السلطنه به مهاجرین، انگلیسی‌ها با تحت فشار قرار دادن فرمانفرما سبب گشتند فرمانفرما املاک وی را از طرف دولت ایران مصادره نموده و حاکمیت وی بر لرستان و خوزستان نیز لغو شد و رکن الدوله جایگزین وی در این ایالات گشت. با دیگر سران مهاجر نیز همین‌گونه برخورد شد. با ورود نظام‌السلطنه و همراهانش به صحنه نیروهای عثمانی که از چند روز قبل به کرمانشاه آمده بودند، رهسپار صحنه شدند. مسیو واسل وزیر آلمان، که قصد مسافرت از راه اصفهان به تهران را داشت از کرمانشاه خارج شد. اما نظام‌السلطنه مانع از خروج وی شد و او را در صحنه نگه داشت. مهاجرین نیز که اکثریتشان در این شهر اقامت داشتند با نظام‌السلطنه دیدار و دربارهٔ اوضاع منطقه و جریان جنگ در کنگاور و نقشه‌های آینده به بحث پرداختند.

دلیل ماندن نظام‌السلطنه در صحنه و نرفتن به کرمانشاه، شاید وجود اقبال الدوله حکمران وقت شهر از سوی دولت مرکزی بود. نظام‌السلطنه اقبال الدوله را مانعی بر سر راه خود می دانست که می توانست مانع تصمیم‌گیری قاطع او شود. قسمتی دیگر از مهاجرین چند روز پس از ورود نظام‌السلطنه به صحنه وارد شهر شده و مورد استقبال وی قرار گرفتند. مهاجرین در همین زمان از قرارداد نظام‌السلطنه با آلمانی‌ها، آگاه شدند. هنگام اقامت مهاجرین در صحنه اخبار ضد و نقیض و نامطلوبی از شهر حاکی از اقدامات اقبال الدوله بر علیه نظام‌السلطنه، نزاع و درگیری دو فرقهٔ اعتدالی و دموکرات که کمیتهٔ دفاع ملی کرمانشاه را تشکیل داده بودند و نفوذ عثمانی‌ها در شهر به آنان می‌رسید.

اعضای کمیته دفاع کرمانشاه، در ملاقات با اقبال الدوله با توجه به قطع ارتباط کمیته با دولت مرکزی و متفی شدن حکومت اقبال الدوله، حضور وی را موجب آشفتگی و بلاتکلیفی اهالی دانسته و به وی پیشنهاد همکاری و معاونت نظام‌السلطنه و یا ترک کرمانشاه را دادند. در هنگام اقامت نظام‌السلطنه در صحنه، نبرد اصلی در گردنه‌های بید سرخ و کنگاور جریان داشت.

روس‌ها که با تعقیب مهاجرین به این ناحیه رسیده بودند، تلاش فراوان برای تصرف آن به کار می‌بردند. در ابتدای جنگ چند بار اهالی کنگاور و روستاهای اطراف، سپاهیان روس را با نیرنگ به درون آبادی‌ها کشانده و آنان را در حالت غافلگیری گلوله باران می نمودند. روس‌ها در تهران با انتشار اعلامیه‌هایی این اقدامات را به شدت محکوم کردند و تهدید نمودند این روستاها را با خاک یکسان می‌کنند. اما چند روز بعد در روستایی دیگر پنج سوار روسی به دست اهالی کشته شدند.

شهر کنگاور چندین بار میان روس‌ها و نیروی مدافعین که شامل یاران نظام‌السلطنه، همراه با سربازان ترک و افسران آلمانی بود، دست به دست گشت. در کنگاور کله‌رها که عباس خان سردار اقبال، رئیس آنان بود،

در طی یکی دو نبرد روس‌ها را عقب راندند. اما بعد به دلیل نداشتن تجهیزات و فشنگ کافی و به دلیل نگرانی سردار اقبال از عمویش سلیمان امیر اعظم، از کنگاور عقب نشسته و این شهر بی دفاع ماند، پس از عقب‌نشینی برخی عشایر، طرح کنت کانتیز که ایجاد خط دفاعی در مسیر صحنه، دولت آباد و کاشان و بیرون راندن روس‌ها از این ناحیه بود به دلیل نداشتن نفرات کافی محکوم به شکست بود.

قوای ایلیاتی که توسط نظام‌السلطنه جمع‌آوری شده بود اغلب کارایی نداشت. از جمله سردار امجد حسنونند که با هشتصد سوار به همراه نظام‌السلطنه آمده و حقوق گزافی می‌گرفت. بدون آن‌که بتواند کاری انجام دهد، به دلیل نارضایتی نظام‌السلطنه، به محل خود بازگشته و به دزدی و غرامت در مسیر بازگشتش پرداخت. گروهی از نظامیان ترک همراه با نیروی ژاندارمری به کنگاور حمله و روس‌ها را از آن بیرون راندند. نظام‌السلطنه نیز پس از نظامیان وارد شهر شد اما تنها پس از دو روز دوباره مجبور به تخلیه شهر شدند زیرا امکان نگهداری شهر برای آنان وجود نداشت.

کلنل بوپ هنگامی که از حمله شدید روس‌ها به مواضع بید سرخ و کنگاور و افتادن قسمتی از سنگرهای مهم آلمان‌ها به دست آنان اطلاع یافت، همراه با صاحب منصبان آلمانی دستور عقب‌نشینی و تمرکز قوا را در بیستون داد. بدین ترتیب کنگاور که چندبار میان روس‌ها و کمیته دفاع دست به دست گشته بود در ۹۱ ژانویه ۱۹۱۶ به دست روس‌ها افتاد و کانتیز علی‌رغم تلاش فراوان نتوانست این ناحیه استراتژیک و حساس را نگه دارد و بعد از شکست ناپدید و هرگز پیدا نشد. در شهر هرسین نیز اهالی ابتدا براساس معاهده‌ای که میان سران این شهر و جمال‌زاده بسته شده بود، به مقاومت در برابر روس‌ها پرداختند، اما به واسطه تجهیزات مدرن و فراوان روس‌ها شهر را تخلیه و به ارتفاعات پناه بردند. روس‌ها با ورود به شهر هیجده تن از اهالی روستای داوودی از توابع این شهر را کشتند. پس از آن مهاجرین و اهالی شهر کرمانشاه که مواضع دفاعی رو به رویشان به تصرف روس‌ها در آمده بود در اضطراب افتادند.

۴-۵-۳- مهاجرین در قصر شیرین^{۱۹}

هنوز بیست روز از اقامت مهاجرین در کرمانشاه نگذشته بود که کلنل بوپ و دکتر واسل خبری مبنی بر شکست و عقب‌نشینی نیروهای کمیته از روس‌ها در بید سرخ، انتشار داده و خواستار تخلیه کرمانشاه شدند. پس مهاجرین شبانه کرمانشاه را به سوی قصر شیرین تخلیه نمودند. در مسیر ترک کرمانشاه به قصر شیرین سوء قصد نافرجامی علیه نظام‌السلطنه انجام شد. وی که همراه با سید حسن مدرس از آتشکده‌ای باستانی که

۱۹- احمدعلی، سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران: انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۳۶

در کوه حجاری شده بود دیدن می کردند، از بالای کوه با شلیک چند گلوله روبرو شدند. طی این سوء قصد، دو تن از محافظان نظام السلطنه زخمی شدند و تیراندازان به داخل جنگل فرار کردند.

مهاجرین پس از ترک کرمانشاه به قصر شیرین رفتند، که واسل و بوپ مقر خود را به آنجا انتقال داده بودند. در این شهر به دموکرات‌ها به رهبری سلیمان میرزا و طباطبایی از اعتدالیون، اتحادیه مدافعین وطن را تشکیل دادند. هدف این اتحادیه حفظ استقلال ایران و پایان دادن به نفوذ دشمنان کشور بود. مهاجرین که راه دور و درازی را طی نموده بودند و از راه‌های گوناگون آمده و در قصر شیرین تجمع نموده بودند، با مشکلات فراوانی روبرو شدند. دچار بیماری‌های گوناگون شدند و قحطی نیز دامن‌گیر آنان شده بود. این وضع تا زمانی ادامه داشت که مجتهدین کربلا و نجف سید کاظم یزدی و محمد تقی حائری به کمک آمدند.

مهاجرین که به حالت فرار مجبور به تخلیه شهر گشته و هر کس به هر ترتیبی که می‌توانست از شهر خارج می‌شد تقریباً هیچ چیز با خود نداشتند. با ورود مهاجرین به قصر شیرین شیرخان صمصام الممالک سنجایی حکمران شهر به استقبال آنان شتافت و قلعه خود را در اختیار نظام السلطنه گذاشت و دیگر مهاجرین در خانه‌ها و کاروانسراهای شهر اسکان داده شدند.

تعداد مهاجرین در قصر شیرین که بالغ بر پانزده هزار نفر، شامل پنج هزار ژاندارم، پنج هزار سوار عشایر لر، نمایندگان مجلس، علمای دینی و سایرین پنج هزار نفر عنوان شده است. این آمار شاید تا حدی اغراق باشد، اما می‌توان به ازدحام جمعیت در این شهر کوچک که در حالت عادی بیش از دو یا سه هزار جمعیت نداشت و مشکلات فراوان ناشی از آن پی برد. اوضاع مهاجرین هنگام ورود به قصر، بسیار آشفته بود. نظامیان شکست خورده با طی مسافتی طولانی با پای پیاده و شکم گرسنه دسته دسته وارد شهر می‌شدند. در ورود به شهر نیز اقدامی برای رفاه حال آنان انجام نشد. حتی قهوه‌خانه‌ای نیز برای آنان تأسیس نشد. تنها به واسطه فصل بهار و رسیدن عشایر اطراف تا حدی وضعیتشان بهبود یافت. اما اوضاع غیرنظامیان کمی بهتر بود.

پس از چند روز اقامت مهاجرین در قصر شیرین، کمیسیونی شامل آقایان مساوات، ناصرالاسلام و شبیانی تشکیل شد. هدف کمیته رسیدگی امور مهاجرین و ترتیب‌بندی و تعیین بودجه برای آنان بود. در قصر شیرین دسته دیگری از مهاجرین که از بروجرد راه را گم کرده و به بیجار رسیده بودند، وارد قصر شیرین شدند.

با کوشش‌های آقایان طباطبایی، مدرس، مساوات، کلوب و شیبانی میان مهاجرین و احزاب مختلف اتحاد برقرار شد. کمیته دفاع ملی که در قم تشکیل شده بود رسماً منفصل و به امضای نمایندگان رسیده و اعلام شد، تا پایان جنگ اختلافات حزبی را کنار گذاشته و تمام ملیون بدون تمایلات حزبی علیه دشمن مشترک و در راه آزادی وطن فعالیت نمایند. بدین ترتیب کابینه دولت موقت در قصر شیرین ترمیم شد. نظام السلطنه همچنان رئیس حکومت و مسئول امور جنگی باقی ماند. مدرس به عنوان وزیر علوم و اوقاف، طباطبایی وزیر عدلیه، سلیمان میرزا وزیر داخله، محمدعلی کلوب وزیر مالی، محمدعلی خان نظام مافی وزیر خارجه، امان الله اردلان وزیر فوائد عامه، وحید الملک شیبانی وزیر پست و تلگراف انتخاب شدند.

در قصر شیرین، حکومت موقت رسمیت پیدا کرد و پیام‌های تبریک از سوی امپراتوران آلمان و عثمانی برای آنان ارسال شد. دولت موقت در قصر شیرین محمد صادق طباطبایی را به سوی استانبول و شیبانی را به سوی برلین به منظور کسب اطلاعات لازم و رابط میان دولت موقت با آلمان و عثمانی فرستاد.

هنگام اقامت در قصر شیرین مهاجرین دچار اختلاف و مشکلات فراوان شدند. از سویی کلنل بوپ آلمانی اعتقاد داشت، به دلیل ازدحام جمعیت در شهر و کمبود امکانات و آذوقه و همچنین به دلیل کمبود پول و خالی بودن صندوق آلمانی‌ها، مهاجرین به جز اعضای دولت موقت و نظامیان باقی از شهر خارج گشته و به عراق بروند. وی از دادن مواجب بسیاری از مهاجرین خودداری نمود. که عاقبت با وساطت و درخواست نظام السلطنه کمک مختصری به آنان نمود. کلنل بوپ با اخراج صاحب منصبان سوئدی از کار، آلمانی‌ها را به جای آنان گماشت. او ایرانیانی را که طرفدار سوئدی‌ها بودند نیز اخراج نمود. عباس خان امیر اعظم کلهر را با سوارانش همراه با یکی از آلمانی‌ها به منظور جلوگیری از روس‌ها فرستاد یک آلمانی دیگر را رئیس ژاندارمری نمود و ماژور محمد تقی خان را به عنوان رئیس ایرانی ژاندارمری انتخاب نمود و همه واحدهای ژاندارمری را در یک واحد ادغام نمود.

در قصر شیرین مشکلات مهاجرین به اوج رسید. اختلافات داخلی میان آنان سبب شد به چندین دسته تقسیم شوند و اتهامات فراوانی به برخی از آنان زده شد. برخی از مهاجرین اتهامات فراوانی به سلیمان میرزا زدند. هزار و پانصد نفر از نیروهایی که در اصفهان به نیروهای مقاومت پیوسته بودند عازم سفر به کرمانشاه شده بودند، در بین راه با سرما و گرسنگی مواجه شده و بسیاری از آنان تلف شده بودند. عده‌ای سلیمان میرزا را مسئول تلف شدن و سختی کشیدن آنان می‌دانستند. علاوه بر این، سلیمان میرزا را متهم نمودند که هفده هزار پول اعانات را که در اصفهان جمع شده و نزد وی نگهداری می‌شد به سود خودش ضبط نموده

است. دسیسه غارت صد هزار تومان پول بانک شاهنشاهی انگلیس را نیز که توسط سروان صادق خان غارت شده بود، به وی نسبت دادند.

عده‌ای از افسران ایرانی نیز در این شهر به نقشه‌های جنگی و عملکرد آلمانی‌ها اعتراض نمودند و آنها را مسبب عقب‌نشینی‌های مهاجرین از ساوه تا قصر شیرین دانستند. هیئت نظامیان آلمان این گروه معترض را به کرکوک تبعید نمودند. برخی دیگر از مهاجرین ضعف رهبری و روحیهٔ محافظه‌کار نظام‌السلطنه را مانع قدرت مهاجرین می‌دانستند و با جلب یاران و پیروانی در صدد طرد نظام‌السلطنه و رهبری حیدر خان عمو اوغلی برآمدند. نظر آنان مبنی بر این بود که مهاجرین به امید آلمان و عثمانی نباشند؛ بلکه خود با بسیج و تجهیز عشایر هسته‌های مقاومت متعددی به وجود آورده و به شیوهٔ جنگ و گریز دشمن را فرسوده و ناتوان سازند.

گروهی از دموکرات‌ها که از اقدامات نظام‌السلطنه و وضع موجود ناراضی بودند، چارهٔ کار را در آمدن رهبری پرشور و فعال، همچون حیدرخان عمو اغلی که در ارتش عثمانی در حال خدمت بود، می‌دانستند. مدتی قبل حیدرخان در نامه‌ای به سیدمحمدرضا مساوات، به انتقاد از وضع مهاجرین پرداخت. وی عنوان نموده بود، عثمانی‌ها با توجه به ضعف مهاجرین و ناامیدی از آنان از ارسال اسلحه و مهمات به ایران خودداری می‌کنند.

این گروه، در نامه‌ای به امضای صمصام الممالک، ابوالقاسم خان بختیاری، محمد تقی خان و اکبر میرزا سلطان خواسته خود را مطرح و از کلنل بوپ خواستند نامه را به فندرگلتر پاشا برسانند.

نامه به دست نظام‌السلطنه افتاد و وی بیش از پیش از دموکرات‌ها رنجیده شد. قبل از این اتفاقات کریم دواتگر، حسین لله و احسان الله خان از بغداد به قصر آمده و با کمک میرزا کریم خان رشتی در منزل یکی از دموکرات‌ها اسکان داده شدند. آنان در تلاش بودند که بتوانند به محافظین نظام‌السلطنه نفوذ نموده و او را به قتل برسانند.

در آخرین لحظات سید محمدرضا مساوات، از اقدام خود پشیمان شده و نظام‌السلطنه را از این سوءقصد آگاه نمود. نظام‌السلطنه دستور به تعقیب و دستگیری سوء قصدکنندگان داد. اگرچه به واسطهٔ اطلاع-رسانی ابوالقاسم خان بختیاری به مهاجمان، در منزل میرزا حبیب الله خوانساری تنها یکی از آنان دستگیر شده

و بقیه متواری شدند. اما این سوءقصد بر روحیه مهاجرین تأثیرات منفی بر جای گذاشت و اختلافات میان آنان بیشتر نمود پیدا کرد.

با شکست نقشه ترور اعتراضات از صورت گفتگوهای مجلسی به انتشار شب‌نامه برای نخستین بار در ایران در این جریان انجامید. این شب‌نامه، با نام "حرف‌های حساسی" به دلیل جو سانسور میان مهاجرین نمود یافت. این شب‌نامه تقلید کورکورانه از متحدین و آلمانی‌ها را نکوهش می‌نمود.

هنگام اقامت مهاجرین در قصر شیرین روس‌ها در تعقیب آنان تا کردند، پیشروی نموده و بعد از جنگ شدید جوارود را نیز اشغال نمودند و غنائمی نیز در این شهر به دست آوردند. نیروهای پیاده آنان نیز به نیروهای عثمانی در سرمیل حمله برده و آنان را مجبور به عقب‌نشینی به قصر نمودند و نیروهای روس به سمت قصر پیشروی نمودند. عشایر سنجابی نیز که توانسته بودند نزدیک به دو ماه و نیم در برابر روس‌ها مقاومت نمایند عاقبت منطقه‌شان توسط روس‌ها تصرف گشته و آنان به کوه‌ها متواری شدند.

بدین ترتیب، آخرین مقاومت عشایر غرب در هم شکسته شده و کرمانشاه به دست روس‌ها افتاد. با پیشروی روس‌ها به سوی قصر شیرین دولت موقت و مهاجرین مجبور به ترک قصر و رفتن به عثمانی شدند؛ در حالی که اکثریت آنان از این مسافرت و خروج از کشور ناراضی بوده و دچار سردرگمی گشته بودند. مهاجرین تازه به عراق رسیده بودند که از پیروزی عثمانی بر انگلیسی‌ها در کوت‌الاماره (که جزئیات این نبرد را در بخش یک ذکر کردیم) اطلاع یافتند. انور پاشا به آنان احترام فراوان گذاشته و آن‌ها را به جشن پیروزی در بغداد دعوت نمود.

۵-۵-۳- خروج روس‌ها از کرمانشاه^{۲۰}

پیروزی در کوت‌العماره و شکست دادن انگلیسی‌ها ارزش و اعتبار فراوانی برای عثمانی، آلمان و متحدینشان به همراه داشت. با شکست نیروهای انگلیسی، بخشی از سپاه ششم عثمانی مجهز به توپ و مسلسل و خلبانان آلمانی از بین‌النهرین عازم ایران شدند. این سپاه با نزدیک به بیست هزار نفر که مورد حمایت نیروهای ملی ایرانی بود مأمور شد، روس‌ها را از ناحیه غرب بیرون برانند. بخشی از این سپاه به سوی قصر شیرین رهسپار شد تا از آنجا به سوی کرمانشاه، همدان و تهران روانه شوند. این سپاه در همان ابتدای

۲۰- بلوشر، ویرت، فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

ورود به ایران در قصر شیرین و سرپل ذهاب با نیروهای روسی روبرو شده و به رهبری علی احسان بیگ که توسط چند هواپیما نیز حمایت می‌شد توانست با شکست دادن نیروهای روسی به کرمانشاه برسد.

دسته‌ای که از نیروهای عثمانی که به طرف صحنه می‌رفتند، در حمله سختی سنگرهای روس‌ها در حوالی نادر آباد و حاجی آباد را گرفتند. روس‌ها ابتدا قصد داشتند در سنگرهای غرب بیستون مقاومت نمایند، اما حملات سریع نیروهای عثمانی آن‌ها را عقب راند. پس از آن در سنقر نبرد ادامه یافت و روس‌ها اطراف شهر را سنگربندی نمودند. اما ترکان آنان را مجبور به عقب‌نشینی به همدان نمودند. در این درگیری‌ها دیگر آلمانی‌ها مداخله گسترده‌ای نداشتند و بیشتر امور در دست عثمانی‌ها بود. بر طبق معاهده عثمانی‌ها با نظام-السلطنه تصمیم به اخراج روس‌ها از ایران گرفتند.

نیروهای ترک بعد از فتح کوت‌العماره اعتماد به نفس فراوان یافته بودند. تصمیم به استقلال سیاستشان از آلمان گرفتند. پیمان نامه انورپاشا با نظام‌السلطنه را می‌توان نمونه بارز آن دانست. براساس این معاهده انورپاشا متعهد به پشتیبانی از نظام‌السلطنه که فرماندهی او بر نیروهای نظامی ایران به رسمیت شناخته شده بود گشته و تمامیت ارضی ایران را نیز پذیرفت.

خروج از قصر شیرین و ورود به عثمانی، مهاجرین را دچار دو دستگی شدیدی نمود. دموکرات‌ها رهبری نظام‌السلطنه را قبول نداشتند و سلیمان میرزا را شایسته‌تر می‌دانستند. اما اعتدالی‌ها مشکلاتی را که در هنگام رهبری سلیمان میرزا در قم میان مهاجرین به وجود آمد نشانه ضعف مدیریتی وی می‌دانستند.

معاهده‌ای که در دیدار انورپاشا و نظام‌السلطنه از اماکن زیارتی کاظمین به امضاء طرفین رسید، یکی از عوامل کدورت ملیون از نظام‌السلطنه شد. هنگام اقامت در بغداد، نظام‌السلطنه بیش از همیشه به عثمانی‌ها نزدیک شده بود و توجهی به دموکرات‌ها نداشت. اختلافات داخلی دموکرات‌ها و پیوستن برخی از آنان از جمله وحید الملک، ادیب السلطنه، کلوب و میرزا احمدخان به نظام‌السلطنه موقعیت آنان را به شدت تضعیف کرده بود و مشکلاتی برایشان فراهم آمد که سبب خصومت بیشتر نظام‌السلطنه با دموکرات‌هایی چون سلیمان میرزا و کاظم زاده گشت به گونه‌ای که تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

این معاهده که میان نظام‌السلطنه و انورپاشا منعقد شد، اتحادی دفاعی محسوب می‌شد. در این معاهده از اتحاد همیشگی ایران و عثمانی و رفع اختلاف‌های مذهبی و اعطای کمک‌های مالی عثمانی به منظور رفع نیازهای نظامی ایران در راه آزادی و نیز رهایی دیگر ملت‌های اسلامی و نشر معارف و تعالی اوضاع اجتماعی

و اقتصادی سخن رفته بود و استقلال کامل سیاسی و تمامیت ارضی ایران پس از جنگ نیز از سوی عثمانی و متحدانش ضمانت شده بود.

پیش روی عثمانی ها در ایران، سبب مذاکرات میان علی احسان بیگ و عشایر کرمانشاه شد. در مذاکرات تعیین شد عشایر سنجابی با عثمانی ها همراه شده و به نبرد با روس ها بروند. علی احسان پاشا با پیروزی هایش در غرب تا نزدیکی اراک پیش رفته و خیال رفتن به تهران و تصرف آن را داشت. اهالی تهران دچار وحشت گشته و عده ای از آنان در صدد ترک شهر برآمدند. با پیروزی های ترکان و خروج روس ها از همدان، نمایندگان روس و انگلیس در تهران از بیم گرایش احمدشاه به عثمانی سعی نمودند احمدشاه را راضی نمایند پایتخت را به جایی که از منطقه نفوذ عثمانی به دور باشد انتقال دهد.

۶-۵-۳- دولت موقت (مرحله دوم)^{۲۱}

با عقب نشینی روس ها، ترکان کرمانشاه را در اختیار گرفته و مهاجرین نیز وارد شهر شدند. نظام السلطنه و همراهانش، در عمارت دارالحکومه کرمانشاه ساکن شده و به اداره امور پرداختند. مسئولان در ادارات دولتی با کارکنان پیشین مشغول به کار شدند. نظام السلطنه به شهرهای تصرف شده فرماندار فرستاده و مالیات می گرفت. از این مالیات، به کارکنان دولت حقوق پرداخت.

نظام السلطنه اغلب با سید حسن مدرس در انجام امور داخلی و با فوزی بیگ نماینده عثمانی در کرمانشاه که اصالتاً کرد بود، در امور خارجی مشورت می کرد. علاوه بر اعضای اصلی دولت موقت، افراد دیگری نیز که اکثراً از روحانیون بودند، به رهبری سید حسن مدرس گاهی برای بحث در امر جاری گرد هم می آمدند. با آمدن عثمانی و سایر مهاجرین به شهر، کارگزاران سابق شهر، معاضدالملک و ناصر السلطنه به همدان رفتند. شهر در اختیار نظام السلطنه و اعضای کابینه اش قرار گرفت. افراد برگزیده نظام السلطنه در حکومت جدید، میرزا محمد کلوب رئیس مالیه، ادیب السلطنه رئیس امور داخله، مدرس رئیس عدلیه، محمد علی خان مافی رئیس امور خارجه، میرزا قاسم خان رئیس پست، عزالمالک رئیس فواید عامه و سالار لشگر رئیس امور جنگی بودند.

۲۱- اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷

بلوشر، ویرت، فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

نظام‌السلطنه اداره امور غیرنظامی را با کمک عثمانی‌ها به دست گرفته و تشکیلات دیوانی را مرتب نمود. در این دولت خبری از بسیاری دموکرات‌ها از جمله سلیمان میرزا نبود. سلیمان میرزا به واسطه اختلافاتشان با نظام‌السلطنه در عثمانی دچار مشکلات فراوان گشته بود. دولت موقت وظیفه‌ای سنگین برعهده داشت. این نظریه که شاه به دلیل سلطه روس‌ها قدرت تصمیم‌گیری ندارد و نظام‌السلطنه از سوی وی به حکومت در ایالات آزاد شده می‌پردازد، هم‌چنان پابرجا بود و همین عقیده سبب بالا بودن توقعات از نظام‌السلطنه بود.

این غیبت آلمانی‌ها و نبودن در جریان امور سبب تمایل گسترده به عثمانی و کم رنگ شدن نقش آلمان‌ها در امور شد. دموکرات‌های طرفدار آلمان نیز که مشکوک به عثمانی بودند، با برخوردهای نادرستی که هنگام اقامت در بغداد با آنان شده بود، اقامت در بغداد را ترجیح دادند. سلیمان میرزا، سید جلیل، شیخ حسین تهرانی، واعظ، کاظم زاده، یکانی، امیرخیزی، استرآبادی، تنکابنی و امیر حشمت با خودداری از همکاری با نظام‌السلطنه، در بغداد ماندند. مهاجرینی که در بغداد ماندند، پس از ورود نادرینی به بغداد در دیدار با وی خواستار همکاری مجددشان با دولت موقت شدند.

مهاجرین در دریافت مواجب به چند گروه تقسیم می‌شدند. گروهی که از عثمانی و گروهی از آلمان مواجبی دریافت می‌کردند. عده‌ای نیز مانند محمدتقی شاهرودی که فقط به واسطه حس میهن‌پرستی به این مهاجرت اقدام نموده بودند، از دارایی خود استفاده می‌نمودند. نظام‌السلطنه روابطش با نادرینی به دلیل بازگرداندن سلیمان میرزا به کرمانشاه و سعی به منظور اختصاص منصبی در اداره امور برای وی، به تیرگی گرائیده بود. نظام‌السلطنه، اقدامات نادرینی را تلاش به منظور تشکیل جبهه‌ای علیه خودش می‌دانست. نادرینی در واکنش به این طرز تفکر، نظام‌السلطنه را آلت دست فوزی بیگ می‌دانست.

سلیمان میرزا نیز که با نظام‌السلطنه همراه نشده و در اداره امور به او منصبی نداده بود با دایر نمودن کلاس درسی شب‌ها به بزرگسالان حساب و هندسه آموزش می‌داد و همواره نادرینی نیز به او کمک‌هایی می‌نمود.

در دولت موقت قرار شد ستاد مشترک ایران، عثمانی و آلمان به ریاست سردار مقتدری که عثمانی نیز پشتیبان وی بود، تشکیل شود. وظیفه این ستاد احیاء ژاندارمری و سربازگیری به منظور تشکیل ارتش منظمی در ایران بود، که در آن خبری از سوارهای عشایر نبود.

با نزدیکی نظام السلطنه به ترکان، تعلیمات نظامی سربازان ایرانی به طور کامل به ترک‌ها داده شد. ماژور فن لوبن، نماینده ژنرال گرسمن در کرمانشاه، برای کمک به دولت موقت عده‌ای از اسرای مراکشی را از فرانسه به عنوان کمک نظامی به کرمانشاه آورده بود. قلمرو حکومت موقت شامل کرمانشاه، همدان، کردستان، لرستان و عراق عجم می‌شد.

کرمانشاه به عنوان مرکز حکومت معرفی شد و قرار گذاشته شد، حکومت موقت هر جا تشکیل شود، همان شهر به عنوان مرکز شناخته شود.

در دوره جدید، نظام السلطنه وفاداری خود را به احمد شاه اعلام نمود و توانست موافقت غیرمستقیم احمدشاه را در حکومتش جلب نماید. احمدشاه در این هنگام در پاسخ درخواست قیصر آلمان مبنی بر پیوستن ایران به آلمان و عثمانی، اعلام نموده بود، در صورت پیروزی قطعی عثمانی به دولت‌های مرکز می‌پیوندد. در همین هنگام در کرمانشاه، توطئه‌ای دیگر برای قتل نظام السلطنه لو رفت. محمودخان پولادین، حاکم نظامی کرمانشاه، متهمان سید جلیل اردبیلی، ابراهیم بیگ، حسن آقا، محمد علی خالو اوغلی و عبدالحسین ترکه را پس از اقرار به توطئه قتل نظام السلطنه به بغداد تبعید نمود.

در کرمانشاه، دولت موقت نیرویی دوازده هزار نفری از سربازان محلی موسوم به بنیچه شامل نیروهای کردی، گوران، زنگنه، کلهر، دو دسته از کردستان، دو دسته از همدان، دو دسته از ملایر، تویسرکان و نهاوند، دو دسته از بروجرد و لرستان به ریاست امیر پنج خلیل خان تحت تعلیم قرار داده و برای کمک به نیروهای عثمانی به همدان فرستاد. با ورود بلوشر و دروفل به عنوان مترجمان سفارت و کادروف و همراهانش که از افغانستان بازمی‌گشتند و زایلر و فاستینگ که از شیراز به کرمانشاه گریخته بودند و همکاری اینان با نادولنی، وی تصمیم به فعالیت بیشتر آلمان‌ها در حکومت موقت و ساختن یک کشور کوچک به ریاست نظام السلطنه داشت.

آلمان‌ها در مرحله دوم حاکمیت دولت موقت بر کرمانشاه، در شهر بانکی آلمانی به ریاست کرومپتر تاسیس نمودند و مبادله اسکناس‌های بانک آغاز شد. ایرانی‌ها نیز کم‌کم به اسکناس اعتماد نموده و از آن استفاده نمودند. با ورود و پیش‌روی نیروهای عثمانی در ایران و احداث بانک آلمانی در کرمانشاه، مشکلات فراوانی برای بانک استقراضی روس به وجود آمد. مردم که تصور می‌کردند با ورود عثمانی بساط بانک برچیده خواهد شد، گروه گروه به این بانک هجوم آورده و اشیاء خود را که نزد بانک رهن بود می‌خواستند. زد و خوردهایی بر اثر ازدحام جمعیت به وجود آمد که عاقبت روس‌ها از وثوق الدوله (وزیر وقت)، کمک خواستند.

با مشکلات عثمانی‌ها در ایران، که ناشی از کمبود نیروهایشان برای حفظ مواضع در ایران بود، انگلیسی‌ها نیز به منظور تصرف مجدد کوت‌الاماره و یورش به بین‌النهرین آنان را نگران ساخته بودند. ترکان مجبور شدند نیروهایشان را از ایران فراخوانند. روس‌ها بار دیگر کرمانشاه را تصرف نموده و قوای عثمانی به‌طور منظم و بدون تلفات سنگین عقب نشستند. دویست نفر از عثمانی‌ها در این عقب‌نشینی کشته شده و توانستند نزدیک به هزار نفر از روس‌ها را کشته و یا اسیر بگیرند. با ورود مجدد روس‌ها و فروپاشی حکومت موقت ارتش روس دوباره به مقابله با ملیون پرداخت. روس‌ها که به دلیل فرمان عقب‌نشینی ترکان به‌راحتی شهر را در اختیار گرفتند، تا نواحی مرزی با عثمانی پیش رفتند. با پیش‌دستی انگلیسی‌ها و تصرف شهر بغداد، دیگر دلیلی برای پیش‌روی روس‌ها به خاک عثمانی باقی نماند و آنان در مرز ایران و عثمانی متوقف ماندند. بدین ترتیب جنگ جهانی تا حدی در ایران فروکش نمود. عقب‌نشینی مجدد ترکان، مشکلات فراوانی به وجود آورد و اوضاع شهر به هم ریخت. مردم از اوضاع ناراضی بودند. سربازان نیز اکثراً از خدمت فرار می‌کردند. به‌گونه‌ای که تنها 1500 نفر از نیروهای ژاندارم و نظامی هنگام عقب‌نشینی باقی مانده بودند. با خروج نادولنی و سایر آلمانی‌ها از ایران، نظام‌السلطنه نیز به همراه جمعی از دوستانش عازم عثمانی شدند. تعدادی از مهاجرین و ژاندارم‌ها با آلمان‌ها همراه شدند و جمع دیگری که امیدی به عثمانی نداشتند، از راه جاده عمومی و یا از طریق ایلات کلهر، به شهرهایشان بازگشتند. عده‌ای دیگر که نه دل خوشی از عثمانی و نظام‌السلطنه داشتند و نه جرأت بازگشت به شهرهایشان، به ایل سنجابی پناهنده شدند. عمر دولت موقت تقریباً هشت ماه بود. پس از آن‌که انگلیسی‌ها بغداد را تصرف کردند، مهاجرین پراکنده شدند. در استانبول با وجود سفارت‌خانه و سفیر رسمی دولت شاهنشاهی ایران نظام‌السلطنه، خود را رئیس دولت موقت می‌دانست. پس از آن‌که در معاهده برست لیتوفسک استقلال ایران عنوان شده بود، نظام‌السلطنه به عنوان رئیس دولت موقت، در روزنامه‌های عثمانی از این کشور تشکر نمود. این موضوع با اعتراض احتشام السلطنه، سفیر ایران در عثمانی، روبرو شد و مهاجرین مجبور به تکذیب آن گشتند.

انگلیسی‌ها با ورود به کرمانشاه به سرکوب عشایری پرداختند که از آلمان‌ها طرفداری نموده بودند. در حادثه‌ای که به فاجعه دشت حر شهرت یافته، هواپیماهای انگلیسی به بمباران عشایر باباجانی و سنجابی پرداختند. در این بمباران‌ها بیش از چهل نفر زن و مرد و بچه از طایفه باباجانی و پانصد نفر از عشایر سنجابی

۲۲- اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷

بلوشر، ویرت، فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹

کشته و یا در آب غرق شدند. بسیاری از دام‌ها و حیوانات آنان تلف شد. بر روی هم بیش از بیست کرور تومان خسارت به سنجابی وارد آمد.

در این نبرد نیروهای زمینی ارتش انگلیس نیروی هوایی را همراهی نموده و پس از بمباران، پنج هزار خانه که متعلق به عشایر سنجابی بود را غارت نمودند. وزارت خارجه به این اقدام انگلیسی‌ها شکایت نمود. در پاسخ، انگلیسی‌ها ایل سنجابی را مرتبط با آلمان‌ها دانسته و سفارت انگلیس ادعا نمود، از طرف آلمان‌ها به سردار ناصر، برادر سردار مقتدر، رئیس ایل سنجابی، طلا و اسلحه داده و وی مرکز فساد آلمان‌ها بوده است. با این اقدام انگلیسی‌ها ایل سنجابی به کلی متفرق شد و رئیس آن سردار مقتدر سنجابی به کوه‌ها متواری گشت.

کمی پیش از این انگلیسی‌ها سلیمان میرزا را که به ایل سنجابی پناهنده شده بود، بازداشت نمودند. سلیمان میرزا پس از انقلاب روسیه و خروج نیروهای روسی از ایران، به ایل سنجابی بازگشت. تمایلات ضد انگلیسی وی و حضورش میان ایل سنجابی، تمایلات میهن‌پرستانه این ایل که به سود انگلیس‌ها نبود، سبب دستگیری وی توسط انگلیسی‌ها و خارج نمودنش از میان ایل شد. انگلیسی‌ها ابتدا خواستار تسلیم سلیمان میرزا از سردار مقتدر رئیس ایل سنجابی شدند که با مخالفت وی مواجه شدند. کلنل کنیون (کنسول انگلیسی‌ها در کرمانشاه)، از سوی انگلیسی‌ها به مذاکره با سلیمان میرزا و سران سنجابی پرداخت. عاقبت با نیرنگ در حمله‌ای شبانه توسط نظامیان انگلیسی سلیمان میرزا به اسارت آنان درآمد که از مدت‌ها قبل و براساس قرارداد ۱۹۱۵م با روسیه، در ازای واگذاری قسطنطنیه به روس‌ها توانسته بودند، منطقه بی طرف در قرارداد ۱۹۰۷م را که شامل مناطق نفت خیز بود، به منطقه نفوذ خود اضافه نمایند. پس از جنگ، تفنگداران جنوب ایران که به منظور مقابله با مأموران فعال آلمانی تشکیل شده بود، وظیفه حفظ منافع انگلیس در این نواحی را بر عهده گرفتند. با خروج روسیه از جنگ سلطه انگلیسی‌ها در غرب جایگزین آنان شد. شهرهای قصر شیرین، پاتاق و کرند مملو از نیروهای انگلیسی شد و روس‌ها در مسیر حرکت‌شان غارت و ویرانی فراوان به بار آوردند.

با اعلام آتش بس از طرف آلمان در نوامبر ۱۹۱۷م جنگ جهانی اول در عرصه بین‌المللی در تاریخ ۲۱ آبان ۱۲۹۷ش پایان یافت. سفارت فرانسه طی اعلامیه‌ای، پایان جنگ جهانی و شرایط سنگین تسلیم آلمان را اعلام نمود. در همین دوران انگلیسی‌ها کلنل کنیون را همراه با سبصد نظامی هندی و چندین صاحب منصب به عنوان کنسول کرمانشاه فرستاده بودند. مجلس صلح عمومی بین رؤسای عشایر، نظامیان روس، مأموران سیاسی و نظامی و کفیل حکومت کرمانشاه در محل معروف به تنگ اژدها برگزار شده و رؤسا با هم دیدار نمودند.

فصل چہار

۱-۴-بخش اول و دوم

در ابتدای این بخش به نقطه شروع جنگ یعنی قتل فرانتس فردیناند اشاراتی شده ولی در کنار این نقطه شروع و دلایل مختلف آغاز جنگ، اشتهای آلمان و علاقه او به تصرف ایران بسیار قابل توجه است. قیصر آلمان گروهی کامل از افراد توانمند و نوآور را به دور خود جمع کرده بود که در مسیر رسیدن او به خواسته‌هایش قیصر را به درستی راهنمایی می‌کردند. مثل فرمانده‌هایی که به عثمانی فرستاده بودند و نقشه‌های هنرمندانه آن‌ها و هزاران سازنده هواپیماها و از همه مهم‌تر زیردریایی‌های فوق‌العاده آن‌ها. آلمان‌ها سال‌ها پیش از جنگ به دلایل مختلف به دنبال کشورگشایی بودند و روز به روز هزینه‌های تسلیحاتی خود را برای حمایت از سربازانشان بالا می‌بردند. ولی پس از به روی کار آمدن ویلهلم دوم این اشتها بسیار افزایش یافت و نتیجه آن جنگ جهانی شد.

آن‌ها در جریان جنگ رحمی نداشتند و حتی برای پیش‌روی در سنگرهای کسالت‌بار جبهه غرب، حاضر به استفاده از گازهای سمی شدند.

هم‌چنین در جریان جنگ متفقین و عثمانی نیز، ترک‌ها ثابت کردند با وجود شرایط نابه‌سامان خود می‌توانند در جنگ‌ها پیروز شوند و آن‌ها نیز مانند آلمان‌ها هوش و توانایی‌های نظامی بالایی دارند و اشتهای فزاینده‌ای دارند. تنها پس از پیروزی در دو جنگ کوت‌العماره و گالیپولی چنان اعتماد به نفسی پیدا کردند که به فکر حمله به کانال سوئز افتادند و نقطه شروع شکست آن‌ها، همان بود.

یکی از استراتژی‌های آلمان و عثمانی تحریک مسلمانان به جنگ در برابر متفقین بود. در کل آلمان‌ها همان‌طور که در بخش آلمان ذکر شده به اهمیت دین آگاه بودند و در مسیر جنگ استفاده‌های بسیاری از دین می‌کردند که این سیاست را در ایران نیز شاهد بودیم.

در قسمت آلمان پیش از جنگ نیز مثال‌های زیادی از هوش استراتژیک آلمان را نشان دادیم. در این بخش به سیاست‌های استراتژیک بریتانیا نیز اشاراتی شد که برای حفاظت از منافع خود حاضر به پیمان بستن با روسیه شدند در حالی که می‌توانستند با آلمان پیوند ببندند. ولی برای داشتن مدیریت مناطق مشترک بین خود و روسیه (بالکان، داردانل، ایران و افغانستان) حاضر به بستن این پیمان شد که در طی آن روسیه را به طرف داردانل و بالکان سوق داد تا مناطق مهم‌تر در دست او باقی بمانند. ایران و افغانستان برای بریتانیا اهمیت حیاتی

داشتند که بریتانیا برای حفاظت از آن با روس‌هایی که درایت و هوش کم‌تر و قدرت بیش‌تری داشتند پیمان بست.

هم‌چنین توجه آلمان به فرهنگ و آموزش و تعلیم و تربیت و علوم و صنایع جدید از شاخصه‌های مهم آلمان پیش از جنگ است. آن‌ها در تعلیمات خود به برتری نژاد ژرمن تأکیدات بسیاری داشتند. آلمان در کل به برتر بودن نژاد ژرمن اعتقاد داشت و حتی در طی آن به اتریش (که آن‌ها نیز از نژاد ژرمن بودند) متمایل شد و حتی نیچه نیز که فیلسوف بزرگی بود به این اصل معتقد بود.

آلمان در جریان دوستی با عثمانی نیز راه دین را پیش گرفت و با اعلام اینکه طرفدار تمام ملل مسلمان است توجه آن‌ها را به خود جذب کرد. آن‌ها در جریان دوستی خود با عثمانی سوءاستفاده‌های بسیاری کردند و با روش‌های مختلف از نفت کشورشان استفاده کردند و راه‌آهنی از آن‌جا به اروپا متصل کردند.

۲-۴- بخش سوم

در دوران پیش از جنگ ایران دارای دو ویژگی مهم و چشمگیر بوده: ۱) تلاش برای برقراری یک حکومت مشروطه و ۲) تلاش برای صنعتی کردن کشور. تلاش‌ها در سال ۱۹۰۶ با پیروزی مشروطه نتیجه یافت و ایران در سال‌های مشرف به جنگ رسماً کشوری مستقل و دارای نظام مشروطه سلطنتی بود ولی این نظام چیزی جز مشروطه‌ای ناقص نبود و زیرساخت‌های سرمایه‌داری تغییری نکردند.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطه پیدایش احزاب سیاسی بود. دموکرات‌ها طرفدار آلمان، آمریکا و دیگر قدرت‌های نوظهور بودند. در کل پس از قرارداد ۱۹۰۷، بیشتر احزاب در برابر سیاست‌های مداخلانه جوی انگلیس و روسیه ایستادند و بنای تفکر مهاجرت مجلس سوم را تشکیل دادند. دموکرات‌ها از اهمیت دین و مذهب آگاه بودند. اعتدالیون نیز بی‌شک طرفدار تزاریسم و انگلیس بودند. ولی در کل این دو حزب به‌رغم ظاهر گوناگونشان اشتراکات فراوانی داشتند. هر دو هم‌زمان ظهور کرده بودند. هر دو دارای مطبوعات و اساسنامه و مرامنامه بودند. هر دو بر اسلام و مجلس و حمایت از مجلس اصرار داشتند و از همه مهم‌تر خاستگاه اجتماعی یکسانی داشتند.

در آخر مجلس سوم این دموکرات‌ها بودند که پیروز شدند و علاوه بر نظارت روس و انگلیس، نظرات آلمان نیز در بسیاری از موارد اعمال می‌شد و مسلماً روس و انگلیس از این شرایط راضی نبودند. ولی به‌هرحال در اثر گسترش‌های چشمگیر حزب، دولتی به رهبری مستوفی‌الممالک تشکیل شد که در آن خواستار کم‌ترین

دخالت روس و انگلیس بودند، به آلمان‌ها بسیار کمک می‌کردند و در مسائل نامربوط با خود و ارتباطشان با آلمان دخالت نمی‌کردند و در نتیجه این سیاست‌ها اعتدالیون با آن‌ها همکاری می‌کردند.

۳-۴- بخش چهارم

در این بخش به اهمیت‌های اقتصادی و سیاسی استان کرمانشاه اشارات بسیاری شد ولی در کل اطلاعات زیادی درباره شیوه زندگی آن‌ها در دسترس نبود.

گفتیم که کرمانشاه شاهراه اصلی ارتباط شرق و غرب بوده و راحت‌ترین راه برای ورود به ایران و به احتمال زیاد به همین دلایل در طول تاریخ مورد حملات بسیاری قرار گرفته و به دلیل همین موقعیت‌های استراتژیک، امنیت که یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی و پایه ثبات دولت است فراهم نبوده.

آب و هوای کرمانشاه نیز کوهستانی و در مناطقی دارای چشمه‌های متعدد بود که شرایط را برای زندگی بسیار مناسب و مساعد می‌کرد.

در کل با اطلاعاتی که داریم می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که شیوه زندگی بسیار ساده‌ای را برگزیده بودند و مردمانی شاد بودند که به تفریح اهمیت می‌دادند و به دلیل ویژگی‌های طبیعی، مردم به کشاورزی و گاهی دامداری مشغول بوده‌اند. ولی از آنجایی که در غرب کشور ارتباط با اروپا حاصل شد، بازارهای بغداد توسعه و رونق فراوان یافتند و به احتمال زیاد داد و ستد و تجارت در کرمانشاه نیز رونق یافت.

از لحاظ اجتماعی هم این استان ویژگی‌های مذهبی خاص خود را داشت که به احتمال زیاد در جریانات جنگ مورد توجه عثمانی و آلمان بوده و سوءاستفاده‌های زیادی در این راه انجام گرفته. هم‌چنین توجهی به علم و سوادآموزی نمی‌شده و به طور کل مردمی که فاقد علم و آموزش باشند، راحت‌تر در مسیر فریب قرار می‌گیرند و خیلی راحت با هر عقیده‌ای که مواجه می‌شوند آن را می‌پذیرند و این شرایط برای دولت‌هایی مانند آلمان و عثمانی شرایطی آرمانی بوده. زیرا به راحتی می‌توانستند که این افراد را به خود جذب کنند و از مهارت جنگاوری ایلات و عشایر استفاده کنند.

۴-۴-بخش پنجم

روزهای نخست تاج‌گذاری احمدشاه مصادف شد با شروع جنگ جهانی اول. در آن زمان کرمانشاه به دلیل اینکه از مرزهای مهم عثمانی بود و دارای ایلات مختلف جنگجو و مسلح بود، به یکی از مناطق حساس مهم تبدیل شده بود.

عثمانی نیز از این ویژگی‌ها بهره می‌برد و با اقدامات مختلف بی‌طرفی ایران را به گونه‌های مختلف نقض می‌کرد که این امور باعث اعتراض حکمرانان کرمانشاه شده بود.

رقابت‌های حزبی نیز حساسیت‌های این منطقه را تشدید می‌کرد. حکمران زمان (فرمانفرما) خود عضو حزب اعتدالیون بود، ولی دموکرات‌ها که با حکومت فرمانفرما مخالف بودند، در جریانات مجلس سوم تمام سعی خود را برای ورود به مجلس کردند. پس از ورودشان هم مخالفتشان با فرمانفرما را اعلام کردند. این دموکرات‌ها از ایلات مهمی مانند: سنجانی‌ها و کلهرها، بودند. که این ایلات در جریان جنگ با حمایت دیگر دموکرات‌ها به تبلیغات ضد انگلیسی در میان مردم می‌پرداختند و بسیاری از افراد به پیوستن و یا کمک مهاجرین مشتاق بودند.

همان‌طور که گفتیم در آن زمان احمدشاه تاج‌گذاری کرده بود و علاوه بر بی‌تجربه بودن او، نظارت روس و انگلیس به روی او بسیار زیاد بود. در نتیجه در آن زمان، به مسائل داخلی اهمیت زیادی داده نمی‌شد و تقریباً آلمان و عثمانی این اتفاقات را در دست داشتند. ولی بریتانیا نیز نسبت به موقعیت حساس کرمانشاه آگاهی داشت و بارها به امیرمفخم بی‌طرف بودن متمایل به بریتانیا را گوشزد می‌کردند.

در آن در زمان کرمانشاه مانند شهرهای دیگر نفرت و انزجار نسبت به متفقین شدید بود و این امر سبب شده بود که آن‌ها مدتی اختلافات جزئی (که بسیار برایشان مهم بود) را کنار بگذارند و با متفقین مبارزه کنند.

آلمان هم که از موقعیت استراتژیک کرمانشاه آگاه بود تا حد امکان اسلحه و مهمات از طریق مرزهای عثمانی وارد می‌کرد و در میان ایلات تقسیم می‌کرد. آن‌ها هم چنین تحریکات بسیاری علیه متفقین انجام دادند و زمینه را برای ورود عثمانی فراهم می‌کردند. روس‌ها هم که از این اقدامات آلمان زیر نظر شونمان آگاه بودند در تهران تقاضای برکناری او را داشتند که نشان می‌دهد در آن زمان تمام این تشکیلات زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شد ولی قدرت ایلات غرب آن‌قدر بالا بود که تلاش‌های روس و انگلیس بی‌فایده ماند.

اقدامات شونمان هم بسیار بالا گرفت و منجر به جنگ میان کنسول روس و انگلیس (در همدان) و خود شد. که باعث نارضایتی مردم بود و می‌گفتند که این حرکات نقض بی‌طرفی است. سفارت آلمان در آن موقع از قدرت خود در رسانه استفاده نمود و گفت که اقدامات شونمان تنها به دلیل این است که کرمانشاه تنها راه ارتباطی او و عثمانی است.

آلمان حتی پس از خروج کنسول روس و انگلیس علی‌رغم مخالفت کارگزاری‌های کرمانشاه، کنسول-گری انگلیس را ضبط نمودند و به کنسول‌گری آلمان منتقل کردند. در این دوره سوءاستفاده‌های آلمان ملموس‌تر می‌شد. آن‌ها برای رهبری مهاجرت نظام‌السلطنه را برگزیده بودند تا تمام اقدامات مهاجرین را زیرنظر داشته باشند. البته با وجود حمایت‌هایی که از سوی آلمان صورت گرفته بود، اعتراض به این انتخاب اصلاً صورت نگرفت. البته نظام‌السلطنه فردی منفعل نبود و بسیار میهن‌پرست بود و با شروطی مانند حفظ تمامیت ارضی کشور توسط آلمان، این رهبری را پذیرفت.

نظام‌السلطنه والی لرستان بود و پس از پذیرفتن رهبری، این مقام خود را از دست داد. ولی باز هم قوایی نظامی متشکل از اقوام لر همراه او آمده بودند. ولی این نیروی نظامی و در کل نیروی نظامی مهاجرین بسیار ضعیف بود. با اینکه افراد ایلات غرب کشور جنگاورانی ماهر بودند ولی نداشتن فناوری در اسلحه‌ها باعث شکست آن‌ها می‌شد. و تنها توانستند با کمک عثمانی‌ها در چند نبرد پیروز شوند و در نتیجه مجبور به ترک کرمانشاه به مقصد قصر شیرین شدند. قصر شیرین به طرز غافل‌کننده‌ای در آن زمان با افزایش جمعیت بسیار زیادی مواجه شد و این جمعیت زیاد اصلاً وضعیت مناسبی نداشتند. پس از چند روز کمیته‌ای برای رسیدگی به حال آنان تأسیس گردید و با کوشش‌های فراوان افراد، کابینه دولت در قصرشیرین ترمیم گردید.

در آن زمان آلمان‌ها اصرار داشتند افرادی به جز اعضای کابینه و نظامیون، به دلیل ازدحام جمعیت به عراق بروند و موجب بسیار کمی هم به آنان دادند. سوءاستفاده‌های آلمان بیشتر و بیشتر می‌شد. آن‌ها طرفداران سوئدی را اخراج می‌کردند و آلمانی‌ها را رئیس ژاندارمری‌ها می‌کردند، معترضین را تبعید می‌کردند و به‌خاطر ناامیدی از ارسال اسلحه‌ها خودداری می‌کردند.

پس از مدتی اختلافات درون اعضای قصر شیرین بالا گرفت. افرادی در این میان معتقد بودند که رهبری فعال باید به‌جای نظام‌السلطنه به روی کار بیاید.

علاقه و اعتماد و اطمینان نسبت به آلمان‌ها روز به روز کم‌تر می‌شد. تاجایی که در رسانه‌های مخفی از تقلید کورکورانه از متفقین انتقاد می‌شد. در آن طرف هم روس‌ها روز به روز پیش‌روی می‌کردند و حتی درحال نزدیک شدن به قصر بودند که مهاجرین در راه حرکت به عراق، پیروزی عثمانی در نبرد کوت‌العماره را شنیدند. پس از آن نیز عثمانی مأمور شد تا روس‌ها را از غرب ایران بیرون کنند و آن‌ها تا همدان عقب‌نشینی کردند. در این جنگ‌ها آلمانی‌ها نقش زیادی نداشتند. در واقع پس از پیروزی‌های عثمانی، آن‌ها با آن اشتهای فزاینده‌شان که از ویژگی‌های بارزشان بود و استقلال‌طلبی و اتحادطلبی‌شان، خواستار استقلال از آلمان شدند و معاهده‌های فراوانی با نظام‌السلطنه منعقد نمودند.

درکل در نتیجه مذاکرات میان عثمانی و دیگر ایلات، آن‌ها با عثمانی همراه شده بودند و کمی تعداد نیروهای آلمانی در کرمانشاه و وجود نیروهای فراوان عثمانی، کمک‌های مالی عثمانی و نزدیکی به مرزهای عثمانی نظام‌السلطنه را بیشتر به سوی عثمانی متمایل ساخت.

با عقب‌نشینی روس‌ها مهاجرین به مقصد اولیه خود، یعنی کرمانشاه بازگشتند ولی در نتیجه تلاش‌های عثمانی نظام‌السلطنه اداره امور غیرنظامی را با کمک عثمانی‌ها در دست گرفت و تشکیلات اداری را مرتب نمود و در نتیجه بسیاری از دموکرات‌ها را اخراج نمود.

با تلاش‌های عثمانی نقش آلمان روز به روز کمرنگ‌تر می‌شد. البته مهاجرانی که با سیاست‌های نظام-السلطنه مخالف بودند در بغداد مانده بودند و پس از ورود نادرولنی به آن‌جا خواستار شرکت مجدد در دولت موقت بودند و جبهه‌ای مستقل ایجاد کردند. در دوره جدید دولت موقت نظام‌السلطنه تمام تلاش خود را برای قوی کردن نظامیون کرد و با نزدیکی خود به عثمانی از سربازان ترک نهایت استفاده را برد.

ولی بریتانیا که مدت طولانی ساکت مانده بود، دوباره دست به تصرف کوت‌العماره و بین‌النهرین شد که در نتیجه آن عثمانی قوای خود را فراخواند و کرمانشاه باری دیگر به دست انگلیس افتاد و متفقین باری دیگر بر این مناطق حکمرانی می‌کردند. افراد دولت موقت پراکنده شدند و نظام‌السلطنه عازم عثمانی شد و افرادی به شهرهایشان بازگشتند.

انگلیس‌ها با ورود به کرمانشاه عشایر و ایلات طرفدار آلمان را به شدت سرکوب می‌نمودند و حتی مباران می‌کردند. بسیاری در این میان کشته و حیوانات و دام‌ها تلف می‌شدند. با خروج روس و انگلیس آن‌ها در مسیر خروج خود، بسیار ویرانی به بار آوردند و نیروهای انگلیس تمرکز بیشتری بر منطقه غرب ایران یافتند.

۵-۴- پیامدهای اجتماعی

از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی اول در غرب ایران، نابودی جمعیت چشمگیری در این نواحی بود. رویارویی نیروهای نظامی متفقین و متحدین و حضور مداوم و متناوب آن‌ها در این منطقه به قتل و کشتار بسیاری از مردم منجر شد. از عوامل مهم این قتل و کشتار، مقاومت مردم در برابر خواسته‌های آن‌ها بود. علاوه بر حضور نیروهای نظامی دولت‌های متخاصم، رقابت و درگیری میان ایل‌ها، عشایر و اشرار منطقه و تجاوزهای آنها موجب کشته‌شدن تعداد زیادی از مردم شد. نبود ثبات سیاسی، هرج و مرج و آشفتگی حاکم بر شهرها و روستاهای منطقه نیز از عوامل مهم افزایش قربانیان جنگ بودند. تسلط نداشتن حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی بر اوضاع سیاسی، نظامی، اجتماعی، شیوع قحطی و خشکسالی و پس از آن، کمبود مواد غذایی و نایاب شدن غلات و نان از عوامل مهم مرگ و میر بسیاری از مردم بودند. کشته‌شدن هزاران نفر در غرب ایران بر اثر قحطی و گرسنگی باعث کم‌شدن جمعیت این منطقه شد. با نظارت نکردن حکومت مرکزی بر مناطق غربی، مسئولان حکومتی قتل و غارت مردم را تشدید کردند و بسیاری از شدت گرسنگی از بین رفتند. به‌صورتی که تمام اهالی یک روستا از گرسنگی جان باختند. نبود نیروی نظمی کافی و کمبود تعداد نیروهای قزاق و ژاندارم برای تأمین نظم شهرها و روستاها باعث ناامنی اجتماعی شد و به آشوب‌ها دامن زد و بستر مناسبی برای اجرای سیاست‌های متخاصمان فراهم کرد. تعداد نیروهای قزاق و ژاندارم به‌حدی کم بود که نمی‌توانستند نظم را برقرار و از اغتشاشات جلوگیری کنند. در کردستان، اشرار با استفاده از وضع موجود، ظلم بسیاری به مردم کردند و تعداد کم قزاق‌های مستقر در این ناحیه نتوانستند از تعدی و تجاوزهای آنها جلوگیری کنند. در شهر کرمانشاه نیز بسیاری از مردم بر اثر تحریک‌های آلمانی‌ها علیه حکومت امیرمفخم، حاکم کرمانشاه، شورش کردند و هرج و مرج در شهر ایجاد شد. با توجه به کمبود نیروهای ژاندارم، وقوع خونریزی و اغتشاش و تعطیلی بازار بسیار نزدیک بود به دنبال هجوم قشون عثمانی به قصرشیرین، مردم برای جلوگیری از تعرض نظامیان به کوه‌ها پناه بردند اما سه نفر از ساکنان کشته شدند.

۶-۴- پیامدهای سیاسی

از پیامدهای سیاسی جنگ، تسلط نمایندگان سیاسی و فرماندهان قشون نیروهای متخاصم بر حکومت‌های محلی بود. در شهر کرمانشاه، آلمانی‌ها بر اوضاع مسلط بودند و حاکم کرمانشاه به‌شدت متأثر از

سیاست‌های آنها بود. شونمان، نماینده دولت آلمان در کرمانشاه، به حاکم منطقه تبدیل شد و کنسول انگلیس و روسیه را از شهر اخراج کرد و آن‌ها به همدان فرار کردند با ورود ترک‌های عثمانی به همدان، حاکم این شهر که هواخواه روس‌ها بود از مسند قدرت برکنار و منزل‌های مردم، به‌ویژه اتباع انگلیس و روس، غارت شدند.

از دیگر پیامدهای سیاسی این جنگ، تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه بود. بیشتر اعضای این حکومت، طرفداران سیاست‌های آلمان بودند. آن‌ها با هدف حفظ استقلال ایران و مبارزه با تسلط انگلیس و روسیه بر کشور، از پایتخت خارج شدند و پس از استقرار کوتاه‌مدت در کاشان به کرمانشاه مهاجرت کردند. آن‌ها در این شهر که بیشتر ساکنان آن از هواخواهان متحدین بودند، حکومت موقت ملی و مجلس موقت را تأسیس کردند. حکومت موقت ملی، مناطق غربی ایران را کنترل می‌کرد و حاکمان محلی شهرها را نظام‌السلطنه مافی، حاکم لرستان و سپس رئیس حکومت موقت ملی، منصوب می‌کردند. مبارزه با تهدید قشون روس و انگلیس، دفع دشمنان خارجی، برقراری روابط دو جانبه میان ایران و متحدین و عقد قرارداد با آنها، برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از هرج و مرج در نواحی مختلف کشور و نیز تأمین استقلال سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی ایران از جمله اهداف تشکیل حکومت و مجلس موقت ملی بودند.

پس از اینکه قوای روس، کرمانشاه را تصرف کردند، حکومت موقت ملی فروپاشید و اعضای حکومت و مجلس موقت به قصر شیرین مهاجرت کردند و از آنجا به عثمانی پناهنده شدند. پس از وقوع انقلاب روسیه و خروج نظامیان روس از مناطق غربی ایران، اعضای حکومت موقت به کرمانشاه بازگشتند و حکومت تشکیل دادند و حاکم برای نواحی غربی ایران منصوب کردند. پس از ورود نظامیان انگلیس به غرب ایران، دوباره این حکومت فروپاشید و اعضای حکومت به عثمانی پناهنده شدند حکومت موقت ملی، شهرهای کردستان، همدان، کرمانشاه، بروجرد و لرستان را قلمرو حکومت خود اعلام کرد و اقدامات امنیتی بسیاری برای کاهش نفوذ روس‌ها در غرب انجام داد.

از دیگر نتایج سیاسی جنگ جهانی اول، تلاش حاکمان ایالت‌ها برای دستیابی به قدرت بیشتر و تشکیل حکومتی مستقل از حکومت مرکزی بود. نظام‌السلطنه مافی، از حاکمان محلی، برای پیوستن به جنگ دعوت و به‌طور رسمی علیه متفقین اعلام جنگ کرد. او به درخواست کنت کانیتز. از فرماندهان نظامی آلمان، علیه متفقین اعلام جنگ کرد و گفت چنانچه وزارت خارجه و شاه توافق کنند، جنگ رسمی می‌شود و در غیر این صورت، او دولت مستقلی تشکیل می‌دهد و وارد جنگ می‌شود؛ او چند شرط مانند حفظ تمامیت ارضی ایران، جبران خسارت‌های وارده به اموال شخصی خود، نظامیان ایرانی و مردم و نیز تهیه لوازم و آلات جنگ را مطرح کرد.

نظام‌السلطنه، خان‌ها و رؤسای قبیله‌ها را در نواحی مختلف لرستان، کرمانشاه و کردستان به جنگ دعوت و تدبیرهای لازم برای این کار را فراهم کرد.

فصل پنج

با تمامی این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که جنگ جهانی تأثیراتی همه‌جانبه بر روی کرمانشاه گذاشت که این تأثیرات تنها عاملشان جنگ نبود. ضعف حکومت مرکزی که در پی آن بی‌توجهی حکومت مرکزی به امور داخلی منجر شد، نداشتن استقلال سیاسی از سال‌های قبل، رقابت‌های بین‌حزبی که گرچه در انتهای کار با هم شریک شدند ولی هم‌چنان باعث چند دستگی میان اقشار مختلف شده بود، اشتباهی بی‌پایان عثمانی و آلمان که همان‌طور که بارها اشاره کردیم، با هوشمندی تمام به‌راحتی از ایلات استفاده می‌کردند، افراط در دین و اهمیت بالای آن که به نقطه ضعف نه تنها کرمانشاه، بلکه ایران تبدیل شده بود (که البته در کرمانشاه به مراتب بیشتر بود)، ضعف تکنولوژی و فناوری در اسلحه‌ها و وابستگی زیاد و اعتماد بی‌دلیل به آلمان و... همه این‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه را برای فروپاشی سیاسی کرمانشاه آماده کرده بود. کرمانشاهی که در بسیاری از ادوار تاریخ در خطر بوده و به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، در برابر حملات قرار می‌گرفت. استانی که راه ارتباطی بسیار مهمی میان شرق و غرب بوده و راحت‌ترین راه برای ورود به کشور. استانی که شاید بتوان بی‌سوادی افراد و بی‌فکری در خیلی از مسائل را نتیجه این درگیری‌هایی دانست که سال‌ها قدمت داشته‌اند و در پایان این جنگ نیز، سر خوردگی و ناامیدی افراد و بارها شکست خوردن ضربه‌ای محکم به عزت نفس و هویت این اقوام وارد کرد. علاوه بر آن بمباران‌ها، نابودی دام‌ها و مزارع، قحطی‌ها و کشته شدن ایلات مهمی که هویت این مناطق را تشکیل می‌دادند همان امید کوچک را هم از آن‌ها گرفت و چیزی به جز یأس برجای گذاشت.

به نظر می‌رسد که علت انتخاب کرمانشاه به‌عنوان مقصدی برای تشکیل دولت موقت هم، این بود که کرمانشاه به عثمانی بسیار نزدیکی بود و قابلیت بررسی و تحت نظر بودن را داشت. هم‌چنین ایلات و عشایر آن بسیار در جنگاوری موفق بودند و این برای آلمان اهمیت زیادی داشت. و البته نمی‌توان شاهره اصلی بودن این استان را نادیده گرفت. همان‌طور که گفتیم آلمانی‌ها با توجه به مؤسسه‌ای در آلمان می‌توانستند که از اوضاع کرمانشاه باخبر شوند و احتمالاً از همین مؤسسه به اهمیت دین پی برده و به تبلیغات دینی و فتوای جهاد در برابر ظالمان (متحدین) می‌پرداختند.

خشم و غضب از استعمارهای طولانی بریتانیا و روسیه، ناخودآگاه تفکر عموم را بر اعتماد به سمت آلمان کشاند و این شرایط در شهری که از لحاظ سواد و آموزش پایین بود (مثل کرمانشاه) و یا شهرهای دیگر فرقی نداشت. در کل پیشینه تاریخی استعمار در کشور باعث اعتماد بی‌قید و شرط نسبت به آلمان شده بود و

این اعتماد به آلمان باعث اعتماد به متحدانش شده بود. عثمانی که دورویی‌ها و سوءاستفاده‌هایش برعکس آلمان کاملاً مشهود و آشکار بود ولی باز هم انزجار از بریتانیا و روسیه به اعتماد بر او هم منجر شده بود.

در نتیجه اعتماد به آلمان، اعضای دولت موقت با دریافت حمایت‌های آلمان، روز به روز به او وابسته‌تر می‌شدند و گاهی اوقات در برابر سوءاستفاده‌های آلمان سکوت می‌کردند. آلمانی‌ها هم که این میزان وابستگی را می‌دانستند، در آخر به صورت ملموس از طرفداران و اعضای دولت موقت برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کردند و به هم‌رازان متحدش از تمام توان این افراد استفاده می‌کردند.

۲-۵- پیشنهادات

- بررسی علل توجه نکردن ویلسون به ایران با توجه به صدمات وارد شده به کشور

- بررسی علل ریشه‌دار بودن و مهم بودن دین در میان اقوام کرمانشاه

- بررسی تأثیر جنگ جهانی بر فروپاشی عثمانی

- بررسی دیگر دولت‌های تشکیل شده مردمی در طول تاریخ ایران و علل آن‌ها

۳-۵-منابع

۱- آپتون، جوزف، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۵۹

۲- اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷

۳- اتحادیه، منصوره، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای اسلامی، تهران: انتشارات تاریخ ایران، ۱۳۸۱

۴- احمدعلی، سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران: انتشارات بانک ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۳۶

۵- بلوشر، ویبرت فون، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی،

۱۳۶۹

۶- بهار، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه جلد اول، تهران: انتشارات

امیرکبیر، ۱۳۷۱

۷- دالوند، زهرا، پیامدهای سیاسی و اقتصادی جنگ جهانی اول بر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد

تاریخ ایران دوره اسلامی، ۱۳۹۲

۸- سلیمی، هدی، کرمانشاه در جنگ جهانی اول و تشکیل دولت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶

- ۹- گرین، رابرت، جنگ جهانی اول، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۸
- ۱۰- مقدم، اعظم، بررسی نقش و تأثیر حضور آمریکا در جنگ جهانی اول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ عمومی جهان دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۴
- ۱۱- ملائی توانی، علیرضا، ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴
- ۱۲- نظری، مجتبی، تاریخ سیاسی و اجتماعی کرمانشاه از مشروطیت تا حکومت رضا خان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹
- ۱۳- هرمان تنبروک، روبرت، تاریخ آلمان، ترجمه محمد ظروفی، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷

